

مخبر

تک شماره ۱۰ ریال ارگان مرکزی سازمان انقلابی

روز قدس: پاسخ مردم به صهیونیسم



در آخرین جمعه ماه رمضان ایران شاهد تظاهرات و راهپیمایی هائی بود که از لحاظ تعداد شرکت کنندگان شاید قابل مقایسه با ناسوعا و عاشورای سال پیش باشد. میلیونها نفر از مردم در پی دعوت امام خمینی مبنی بر برگزاری روز قدس، همبستگی خلقهای قهرمان ایران با خلق رزمنده فلسطین را به جهانیان نشان دادند و پیوندهای هر دو ملت را مستحکم تر کردند.

در تهران گروههای مختلف مردم از ۶ نقطه شهر شروع به راهپیمایی کردند. صفوف راهپیمایان که از ساعت ۹ صبح به حرکت در آمده بودند بطور متوالی تا ساعت ۱/۳۰ به محل دانشگاه تهران و خیابانهای اطراف آن می رسید. زمین چمن دانشگاه. بقیه در صفحه ۲

دار و دسته کیانوری و حزب دمکرات

به دنبال واقعه پناه امام خمینی با قاطعیت انقلابی زمان سرکوب ضد انقلاب و دستگیری و سپردن رهبران حزب دمکرات کردستان و دیگر عاملین این واقعه را به دادگاههای انقلاب صادر کردند. تمام سازمانها و احزاب سیاسی استقلال طلب به نوعی علیه توطئه امپریالیستها موضع گیری نموده و عاملین آن از جمله رهبران حزب دمکرات کردستان را محکوم نمودند.

ولی در این میان تنها یک حزب (حزب توده) لب از لب نگشوده و نسبت به حزب دمکرات کردستان سکوت اختیار کرد و یک کلمه درباره فعالیتهای مخرب حزب دمکرات کردستان و به ویژه وقایع اخیر پناه صحبت ننمود.

چرا؟ پاسخ را باید در نشریه کمیته مرکزی حزب توده در ۳ سال قبل جستجو نمود. در "مردم"، ارگان کمیته مرکزی حزب توده (شماره ۱۵ دی ماه ۱۳۵۴) می خوانیم. . . . در شرایط دشوار مبارزه علیه رژیم ترور و اختناق محمد رضا شاه، بقیه در صفحه ۲

متحداً ضد انقلاب را سرکوب کنیم!

اطلاعیه سازمان انقلابی

امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی در دفاع از انقلاب، از مردم، دولت و نیروهای مسلح خواست که در سرکوب ضد انقلاب در پناه با قاطعیت عمل کنند. ما به این ندای امام خمینی برای در هم شکستن توطئه های ضد انقلاب و دفاع از دستاوردهای انقلاب و ادامه آن در جهت تامین هر چه بیشتر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی (به ویژه رفاه زحمتکشان) پاسخ مثبت می دهیم.

ضد انقلاب در هر شکل و هر لباسی که باشد عامل و خدمتگزار دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی است. این دو امپریالیست شرق و غرب سلطه جو و غارتگر عالم، اصله ایجاد هرج و مرج در کشور ما بوده و می خواهند انقلاب اصیل ما را در نیمه راه متوقف سازند. آنها در فیلیپین، افغانستان، آریتره و فلسطین خلقهای ستم دیده این کشورها را با ظلم و ستم بی عدلی روبرو ساخته اند.

امام خمینی به درستی هنگامی که از توطئه های آمریکا و صهیونیستها علیه انقلاب ایران و فلسطین سخن می گوید جای برجستهای نیز به قتل عام مردم بی گناه افغانستان توسط عوامل شوروی می دهد.

سازمان انقلابی با اعتقاد به اصالت انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی در زمینه استقلال خواهی از کلیدی هم میهنان مبارز دعوت می کند. بقیه در صفحه ۴

نقش مهمی بعهده داشتند و سالها زیر ستم چند لایه ای بسر برده اند، نیک میدانند که مبارزه بخاطر آزادی و بر انداختن ستم ملی جدا از مبارزه بخاطر اتحاد بزرگ ملی ایران، بخاطر حفظ تمامیت ارضی آن و در یک کلام مبارزه مشترک کلیه خلقهای ایران علیه امپریالیسم بویژه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی و عمالشان نیست.

بارها خلق کرد این تجربه را آموخته است که آزادی واقعی اش در گرو آزادی کل جامعه ایرانی است و خلق کرد با خلقهای دیگر ایران در این مبارزه هم سرنوشت است.

کرد ضد امپریالیست واقعی کسی است که این واقعیت تاریخی را درست درک کند و درک خود را تا آن حد بکشد و عمیق سازد که رژیم کنونی ایران، جمهوری اسلامی کنونی به رهبری امام خمینی با تمام کمبودهایش که هیچکس آنها را رد نمی کند، یک حکومت ملی و یک رژیم ضد امپریالیستی است، این رژیم و رهبرانش دشمن خلق کرد

بقیه در صفحه ۲

۱ قیام مسلحانه علیه دولت ملی امری ضد انقلابی است
۲ بایدهم مرکز حمله را بیرونی عاملین دو ابر قدرت گذارد
۳ بایدهم میان مزدوران بیگانه، منحرفین، و توده های مردم تمایز گذارد

قیام مسلحانه عناصر ضد انقلابی علیه دولت ملی در شهر پناه و دیگر نقاط کردستان، یک جنبش وسیع ملی سرکوب ضد انقلاب وابسته به بیگانه را، در پاسخ به دعوت امام خمینی، بوجود آورد.

قیام مسلحانه ضد انقلابی در پناه، با سوء استفاده از مسئله حقوق ملی خلق کرد، تلاش دارد تا این عمل خود را توجیه کند اما واقعیت چیز دیگریست.

خلق قهرمان کرد که در مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه مثل بقیه ملیت های ایران

مواضع قاطع امام در مورد افغانستان

تاریخی است چه آنکه بطور روشنی از مبارزات خلقهای افغانستان دفاع نموده و علیه رژیم تره کی که وابسته به سوسیال-امپریالیسم شوروی، است، موضع گیری می نماید. حال باید دید که دار و دسته کیانوری

امام خمینی در نطق مهم خود که روز یکشنبه ۲۶ مردادماه در قم در رابطه با مسائل ایران و جهان ایراد نمودند از جمله به نکته مهم زیر اشاره کردند:

و بعد در ۲۴ بهمن همین نویسنده پس از پیروزی انقلاب به امام خمینی رهنمود و هشدار می دهد که یک وقت دیکتاتوری باز نگردد مردم مواظب باشید!

در ۱۶ بهمن نویسنده ای که بعد ها به

کارنامه سپاه «آیندگان»

افکار عمومی بر علیه دولت ملی و انقلاب. (۲) آیندگان تلاشی می کرد شوروی را به اصطلاح " دوست " مردم جابزند، کشور های وابسته به آن را دوستان خلق قهرمان ایران قلمداد کند و لبه تیز مبارزات

تظاهرات روز یکشنبه هفته گذشته در تهران شعارهایی به غایت انحرافی را با خود حمل می کرد، یکی از این شعارها این بود: آیندگان، آیندگان، روزنامه آزادگان. آیا راسته، آیندگان روزنامه آزادگان

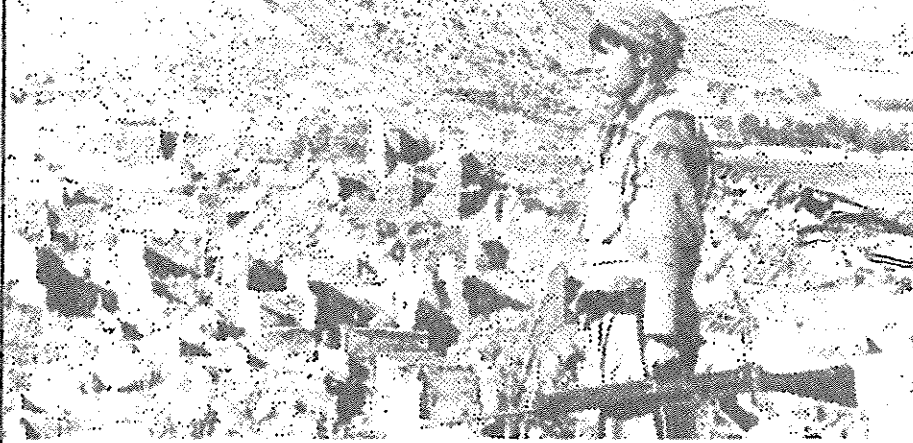
سهرن سوسیالیستی به سوسیالیسم سروری و ...
 حمل می‌کرد، یکی از این شعارها این بود:
 آیندگان، آیندگان، روزنامه آزادگان!
 آیا راستی آیندگان روزنامه آزادگان
 بود؟ آیا اجتماع هزاران هزار مردم عادل و
 دانای ما که چندین بار در طی چند ماه
 گذشته در مقابل آیندگان شعار آیندگان،
 آیندگان روزنامه بیگانگان را سر می‌دادند
 بر حق بود یا اجتماع یکشنبه در مقابل
 دانشگاه تهران؟
 ما گوشه‌ای از کار نامه آیندگان در ۶
 ماه گذشته را ورق می‌زنیم تا روشن کنیم
 آیندگان نه تنها روزنامه آزادگان نبود بلکه
 نسبت دادن آن به مردم آزاده میهنان
 توهمین بزرگ است.
 از ابتدای انتشار آیندگان (که از قبل
 مبارزات قهرمانانه خلق علیه سانسور محمد
 رضا شاهی میسر گشت) این روزنامه چند
 سیاست خائنانه را در پیش گرفت:
 ۱) آیندگان سعی میکرد تا با القاء این
 فکر که سر نخ تمام اتفاقات در دست آمریکا
 و وابستگان داخلی آنهاست، با القاء این
 فکر که گویا عناصر امریکائی کارها را
 می‌گردانند زمینه را برای هجوم ضد انقلاب
 و کودتائی دیگر فراهم کند. یعنی ایجاد

به اصطلاح "دوست" مردم جابزند،
 کشور های وابسته به آن را دوستان خلق
 قهرمان ایران قلمداد کند و لبه تیز مبارزات
 مردم را که علیه امپریالیسم، به ویژه دو ابر
 قدرت آمریکا و روسیه و نوکران بومی آنها
 بود برگرداند. و خلاصه کشورهای وابسته
 به روسیه را به اصطلاح "پایگاههای انقلاب"
 معرفی نماید.
 ۲) آیندگان سعی داشت تا با جعل
 اخبار، دروغ پردازیها و تحریف حقایق،
 اعتماد مردم را از انقلاب، رهبری،
 دستگاههای مردمی، کمیته‌ها و... سلب
 کند و در خدمت اهداف نامبرده در بالا
 قرار دهد.
 ما برای نشان دادن این خیانتها در
 هر مورد مثالهایی را ذکر می‌کنیم.
 در مورد اول یعنی تبلیغ سر نخ تمام
 اتفاقات در دست امریکاست، آیندگان کارنامه
 قطوری دارد به گوشه‌ای از آن در اینجا
 اشاره می‌کنیم:
 در شماره ۱۰ بهمن آیندگان مقاله
 نویسی که تا همین اواخر هم به نوشتن در
 این روزنامه ادامه می‌داد، مردم قهرمان
 ایران را دعوت به همکاری با بختیار میکند

پیروزی سوسیالیسم سروری و ...
 هشدار می‌دهد که یک وقت دیکتاتوری باز
 نگرود مردم مواظب باشید!
 در ۱۶ بهمن نویسنده‌ای که بعد ها به
 جرم کلاهبرداری توسط ارگانهای انقلاب
 دستگیر می‌شود تخم نفاق می‌افکند و در
 مردم شک و تردید نسبت به حقانیت انقلاب
 بوجود می‌آورد.
 در ۱۷ بهمن نویسنده‌ای که از آیندگان
 شروع می‌کند و بعداً "بنیان گذار پیغام امروز"
 می‌شود، مدیحه سرائی تمام و کمالی را درباره
 مذهب و تشیع سرخ آغاز می‌کند اما در فرآی
 روز انقلاب تئوری ارتجاعی "دیکتاتوری
 نعلین" را از آستین بیرون می‌کشد.
 در روز ۱۹ اسفند آیندگان دو جریان
 را به پیش می‌برد: یکی اینکه تظاهرات زنان
 عمده می‌شود و انقلاب فراموشی می‌گردد
 دیگری اینکه به سرپرست رادیو تلویزیون
 بر حسب "امریکائی" می‌زند.
 در روز ۲۸ اسفند تیتربزرگ آیندگان
 "تجاوز به آزادی مطبوعات" است و
 می‌نویسد که این مقدمه تجاوز به سایر
 آزادیهاست ولی آخر سر معلوم نمی‌شود که
 به کدام مطبوعات تجاوز شده و کجا آزادی
 بقیه در صفحه ۲

ایران و جهان ایراد نمودند از جمله به نکته
 مهم زیر اشاره کردند:
 ملت افغانستان از ایران عبرت بگیرد
 و این فاسدها را که مردم را بخاک و خون
 می‌کشند به سر جای خود بنشانند. ارتش
 افغانستان به ملت پیوندد. این حکم اسلام
 است ادارات دولتی افغانستان همانطوریکه
 ادارات ما به ملت پیوستند، به ملت پیوندد
 ژاندارمری افغانستان به ملت به پیوندد و
 این فاسد را بیرون کنند."
 این سخن از سخنان امام دارای اهمیت

تره کی که وابسته به سوسیالیسم - امپریالیسم
 شوروی، است، موضع گیری می‌نماید.
 حال باید دید که دارو دسته کیانوری
 این مدافعین ایرانی ابر قدرت شوروی که
 کودتای روسی تره کی را با اصطلاح "انقلاب
 ملی و دمکراتیک اصیل" ارزیابی نموده و
 مبارزین علیه رژیم تره کی را "شورشیان
 وابسته به ارتجاع" می‌نامد و در عین حال
 سنگ دفاع از جمهوری اسلامی و رهبری انقلاب
 مارا به سینه می‌زنند، درباره این مواضع قاطع
 امام چه خواهند گفت و چگونه به عوام فریبی
 خود ادامه خواهند داد؟



یک مجاهد جوان از ایالت "کزکبه" افغانستان

خط مشی سیاسی چپ‌نماها به چه کسی خدمت میکند؟

امپریالیستی توضیح می‌دهیم:
 انحراف در تعیین دوست و دشمن
 از توده‌های میلیونی است و عمدتاً از طبقات
 و اقشار متوسط و بالا تشکیل شده و به همین
 علت ضد امپریالیستی نیست و حتی در مقابل
 این یا آن ابر قدرت سازشکار است.
 در عصر امپریالیسم، و در کشورهای
 تحت سلطه و ستم امپریالیستها مانند کشور
 ما ایران، انقلابی و ضد انقلابی بودن
 جنبش‌ها و مشی‌های سیاسی را تنها با این محک
 می‌توان تعیین نمود که آیا به طور عمده به
 امپریالیسم ضربه می‌زنند یا اینکه صفوف
 نیروهای خلقی در مقابل امپریالیسم را آسیب
 پذیر می‌کنند. با این محک خط مشی چپ
 نماها که عملاً "برخورد با دولت ملی و سایر
 نیروهای ملی را تا حد برخورد خصمانه و
 مسلحانه و طبعاً در جهت براندازی حکومت
 ملی به پیش می‌برند، به غایت انحرافی
 است و باید با آن مبارزه قاطع شود.
 ما معتقدیم که اکثر افراد متشکل در صف
 چپ‌نماها کم تجربه و دچار اشتباه هستند و
 در نتیجه شیوه مبارزه با آنها باید در عین
 قاطع بودن، سیاسی باشد تا بتوان با جلب
 دوستان انقلاب، دشمنان واقعی را جدا،
 منفرد و سرکوب نمود.
 ما در زیر دو جنبه از انحرافات چپ
 نماها را در رابطه با ادامه انقلاب ضد

از بعد از انقلاب تا کنون هر جا جریانی
 علیه دولت و جنبش اسلامی بر راه افتاد، چپ
 نماها به دنبالش روان شدند و با حادث کردن
 تضادها به وحدت خلق لطمه زدند.
 جریان حجاب زنها، مسائل مختلفی
 تحت عنوان آزادیهای فردی، اجتماعات،
 بیان عقاید و غیره و بالاخره این اواخر دفاع
 از روزنامه معلوم الحال آیندگان از جمله
 زمینه‌هایی برای فعال شدن چپ نماها
 بوده است.
 چرا ما می‌گوئیم اینها چپ قلابی و یا
 دمکرات کاذب اند نه چپ اصیل و یادمکرات
 واقعی؟
 ظاهر قضیه این است که اینها از آزادی
 و حقوق دمکراتیک مردم در مقابل عده‌ای که
 می‌خواهند آزادیها را به طور کلی محدود
 کنند، دفاع می‌کنند. اما ماهیت امر چیز
 دیگری است. ماهیت امر مبارزه ایست بین دو
 مشی متفاوت: مشی جنبش اسلامی که جنبشی
 توده‌ای است، عمدتاً از زحمتمکشان تشکیل
 شده و به همین علت غالباً، قاطع، خشن و
 سختگیر است. این جنبش علیرغم کمبودهایش
 دارای سمت روشن ضد امپریالیستی و به
 معنای اخص ضد دو ابر قدرت امریکا و شوروی
 است. مشی چپ نماها و "دمکراتها" جدا

نامه سرگشاده به

نمایندگان منتخب برای

«مجلس بررسی نهائی قانون اساسی»

با وحدت سه جریان سیاسی جامعه: اسلام
 مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی
 امکان پذیر است،
 - با توجه به اینکه به دلیل اشتباهات
 خط مشی ای و برخورد های نا صحیح،
 تضادهای درون خلق حاد شده و هرج و مرج
 و اختلاف در میان نیروهای سیاسی شدت
 یافته است،
 - بالاخره با توجه به سیاست ما در
 مخالفت با روش تحریم انتخابات و برخورد
 افشاگرانه‌ی برخی از نیروها به نتایج آن و
 از جانب دیگر انتقاد از نا درستی‌ها و روش
 انحصار طلبانه توسط بخشی از نیروهای
 حاکم،
 بقیه در صفحه ۷

اکنون که نتایج نهائی انتخابات
 "مجلس بررسی نهائی قانون اساسی" اعلام
 گشته و مجلس خبرگان آغاز به کار کرده است،
 ستاد انتخاباتی "اتحاد بزرگ ملی" اعتقاد
 دارد:
 - از آنجا که در پیش نویس قانون
 اساسی پیشنهادی دولت، در کنار نکات
 مثبت و مترقی، در چند زمینه کمبود های
 اساسی وجود دارد،
 - از آنجا که اتحاد بزرگ تمام طبقات
 و اقشار خلق و کلیه ملیتهای ایران در
 مرحله‌ی کنونی ضامن تحکیم جبهه‌ی مبارزه
 علیه امپریالیسم به ویژه دو ابر قدرت امریکا
 و شوروی و عاملان در ایران است،
 - با توجه به اینکه آینده‌ی ایران تنها

کارنامه سیاه

زیر پا گذارده شده است. در همین شماره آیندگان، آقایی که خود را سوسیالیست میدانید کارنامه اش نزد خاص و عام آشکار است. می نویسد: رهبری انقلاب (امام خمینی) در تحریک انقلاب توقف ایجاد کرده است، بالاخره در ایران دموکراسی نیست.

در روز ۲۹ اسفند از اعلامیه هیچک از گروهها و سازمانهایی که در فروردین شرکت می کنند خبری نیست فقط تیتراژ درشت صفحه اول را با مضمون در فروردین شرکت نمیکنیم، جنبه دموکراتیک ملی بد خود اختصاص می دهد، آیندگان روز ۲۱ اسفند و حتی تا چند شماره بعد نامه پشت سر نامه چاپ میزند که ما این آقای یزدی را می شناسیم "امریکائی" است، "طرفدار سر سخت امریکا" است و دیگر بر حسب های بی شرمه و در همین روز مقاله ای از روزنامه ای خارجی چاپ می کند که در ایران انقلابی موجود نبوده است و از قول این روزنامه (و در واقع خودش) می نویسد چنانچه انقلابی که در ایران انجام نشده بیندیم.

در آیندگان ۱۸ فروردین مقالسی در تحت عنوان "تا حضور را به چه معنی کنیم" چاپ می شود که قطب زاده و یزدی و بنی صدر را مجهول الحال می خواند و می گوید اینها انقلابی نماهای مشکوک هستند. در همین شماره آیندگان باز سوسیالیست نمای دو آتشه معروف، مقاله ای که نزدیک دو صفحه را به خود اختصاص داده، می نویسد و در آن نامه آقای قاسطو هم ضمیمه می شود که از آنجا که این رژیم به حقوق خلقها پاسخ نمی دهد غیر مردمی با عادلانه و غیر دموکراتیک است.

در روز ۲۵ فروردین نامه های بی شماری علیه قطب زاده که گویا "امریکائی" است چاپ می شود و روز ۲۱ فروردین جنبه دموکراتیک ملی فریاد بر می آورد که فاشیسم آمد و آیندگان صفحه اول را به این مسئله اختصاص می دهد.

ارتش جمهوری اسلامی همان ارتش سرکوب گر شاه می شود و گویا "فاشیستها" امور دولت را قبضه کرده اند.

در روز ۲۲ فروردین که مراسم سوگند وفاداری افراد و شهبانی به جمهوری اسلامی بر گزار می گردد آیندگان می نویسد همین ها بودند که به قانون اساسی و شاه هم سوگند خوردند. و بدین وسیله بار دیگر تخم شکو تردید می باشد. در همین روز آیندگان صاحبهای در اداره گذر نامه دارد و این طور وانمود می کند که گویا همه زنان از دست "دیکتاتوری نعلین" و حجاب مشغول فرار به خارج از کشوراند.

در روز ۲۳ فروردین طرح زنانه مردانه

است، تنها به کوشهای از آن می پردازیم: آیندگان ۱۸ بهمن مقاله ای از کیانوری (دبیر اول حزب توده) چاپ میکنند کیانوری در پایان پیامی برای مردم ایران دارد و آن این است که اگر ایران با شوروی دوستی کند (و فقط در این صورت - رنجبر) شوروی در ایران دخالت نخواهد کرد (یعنی تهدید روشن و مستقیم مردم از طرف روسیه) آیندگان این کلمات را برجسته می کند و در کله مردم فرو می برد.

در روز ۱۹ بهمن سخنگوی امیرالیستهای روسیه صاحبهای با آیندگان دارد که با تیتراژ درشت می نویسد همه آنها که می گویند شوروی خطری برای استقلال کشورها دارد دروغ پردازند و شایعه سازند.

آیندگان روز ۱۶ اسفند صاحبهای دارد با رهبر حزب دموکرات کردستان (آقای قاسطو) که اینجا هم اساساً صحبتی از خطر شوروی نیست که هیچ، بلکه آرایشگری او نیز مشاهده می شود. در همین روزها مردم که از خط مشی آیندگان بیزارند با شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی در مقابل آیندگان تظاهرات می کنند (۲۵ اسفند) و آیندگان جواب این مردم را با چاپ کردن مقاله ای دیگر در باب به اصطلاح خوبی های شوروی می دهد.

در روز ۲۲ اسفند باز هزاران نفر در مقابل دفتر آیندگان اجتماع می کنند و فریاد می زنند: آیندگان، آیندگان، روزنامه بیگانگان.

و باز در روز ۲۳ فروردین آیندگان جواب مردم را با مقاله ای طولانی در حمایت از بین جنوبی، کشوری که با کودتای روسی به مستمره امیرالیستهای روسی تبدیل شد، می دهد.

اما قضیه خاتمه نمی یابد. این بار آیندگان روزنامه رسمی مدافع امیرالیسیم روسیه می شود: اول اردیبهشت مقاله ای از سفیر شوروی چاپ می کند که: آری روسیه همواره دوست خلق ایران بوده! و بدین طریق آقای سفیر، آیندگان را در خدمت آرایش کشور امیرالیستی خویش بکار میگیرد. در آیندگان روز ۱۱ فروردین از قول امیرالیستهای روسی می آید که "سیا" سازمان جاسوسی آمریکا در افغانستان آشوب می کند و بدین طریق می خواهد تمام مبارزه مردم افغانستان را لوٹ کند.

در این مدت مردم، سازمانهای انقلابی و ملی همه و همه دست به افشاگری می زنند اما پاسخ این نوشته ها و انتقادات با مقاله آیندگان ۱۸ فروردین که از قول پسر او می نویسد: آمریکا می کوشد بین ایران و شوروی شکاف بیندازد، داده می شود و بدین ترتیب رهبر انقلاب، میلیونها نفر از مردم و همه سازمانهای انقلابی خلق امریکائی نامیده می شوند چرا که شوروی را کشوری امیرالیستی و دشمن مردم ایران ارزیابی

رنجبر

طرف کمیته انقلاب اسلامی کرج در آیندگان ۲۶ فروردین تکذیب می شود و همین خبر جعلی زمینه مقاله هفته آیندگان در شماره ۱۴ تیر می شود که آری دولت دارائی پهلوی و پولها را خورد و برد.

* آیندگان ۲۵ فروردین از قول بازرگان که گوئی با روزنامه فرانسوی نول اس رواتور مصاحبه کرده جعل می کند که: "ملاهای" مرتجع دور امام "کارها را خراب می کنند"، و استیاه های امام "در مورد گوشت یخ زده و زنان" مسائل را حاد کرده است چند شماره بعد آیندگان یعنی ۲۸ فروردین از قول نخست وزیر تکذیبی را (به صورت کوچک و بی اهمیت) چاپ میکند. که جنیر مصاحبهای با روزنامه نول اس رواتور اساساً صورت نگرفته است.

* آیندگان ۱۷ اسفند از قول دکتر یزدی می نویسد کشور فقط برای ۳۳ روز غذا دارد و بعد از سه روز (یکشنبه ۲۵ اسفند) خبر تکذیب می شود که چنین گفته های اساساً در میان نبوده است.

و دهها و دهها تکذیب دیگر. اینها نمونه هایی از محتویات آیندگان در تنها سه زمینها بودند. یک بررسی منصفانه نشان می دهد که مردم اشتباه نگرده بودند، و به روشنی آیندگان روزنامه ی بیگانگان بود.

روز قدس

محوطه دانشگاه تهران و خیابانهای اطراف دانشگاه ملطو او جمعیتی بود که می خواست با خلق فلسطین تجدید عهد کند، پیمان ببندد و بار دیگر اعلام کند که در مبارزه اش علیه صهیونیسم و دو ابر قدرت جهان خوار آمریکا و شوروی در کنار اوست.

در خیابان انقلاب بسوی دانشگاه تهران مردم با فریادهای فلسطین، فلسطین متحد خلق ما و قدس عزیز اسلام آزاد باید گردد، همبستگی خود را با خلق فلسطین نشان دادند. در صفوف مردم در بلوار کشاورز بسیاری از افغانیهای سقیم ایران نیز دیده می شدند و فریادهای مرگ بر تره کی مرگ بر حامیان رژیم ضد خلقی تره کی بیشتر از هر شعار دیگری شنیده می شد و بدین وسیله میلیونها تن از مردم میهن با خلقهای ستعدیده ای که در زیر یوغ امیرالیستها چه امریکائی و چه روسی بسر می برند اعلان همبستگی می نمودند.

هنگامی که محوطه دانشگاه وزمین چمن که با شعارهای مرگ بر امیرالیستها و صهیونیستها، نوره، نوره، حتی النصر، الیوم ایران و قدس را رهنما تجمیع تزئین شده بود از جمعیت بر شد، مراسم روز قدس با قرائت آیاتی چند از قرآن و سپس پخش پیام امام خمینی بمناسبت روز قدس آغاز گشت، پس از پخش پیام امام خمینی، آقای مهندس

متحداً ضد انقلاب

نیستند، برعکس دوست او می باشند. مبارزه ی خلق کرد بخاطر زدودن ستم ملی از مبارزه مشترک دولت کنونی و خلق کرد علیه امیرالیسیم بویزه دو ابر قدرت می گذرد. حال هر نیروئی که این واقعیت را درک نکند و بخواهد خلق کرد را به مبارزه علیه دولت مرکزی که دارای ماهیت ملی است بکشاند یا آگاهانه عمل می کند که بی شک عامل خارجی بوده و به آنها خدمت می نماید و یا نا آگاهانه عمل می کند که در آخر نتیجه اش یکی است. نه تنها خلق کرد بهره ای نمی برد بلکه امیرالیستها کمال سوء استفاده را می کنند.

کشاندن مبارزه سیاسی به سطح مبارزه مسلحانه علیه دولت ملی توسط هر نیروئی صورت گیرد از نظر خط مشی انحرافی است و سرنوشتی جز شکست به بار نخواهد آورد. در میان این مبارزین مسلح تنها مستی هستند که آگاهانه عمل نموده و مزدور خارجی اند اما از لحاظ عینی این خط مشی فرصت طلبانه به ضد انقلاب خدمت می کند و انقلاب کشور ما را در برابر امیرالیستها ضربه پذیر میسازد.

امیرالیسیم شوروی این بزرگترین ابر قدرت در حال تهاجم که دارای مرز ۲۵۰۰ کیلومتری با کشور ما هست، بی شک در کلیه اغتشاشات اخیر در میان ملیت های ایرانی دست داشته است.

تمام شواهد نشان میدهد با موضع گیری انقلاب ایران در دفاع از جنبش ملی در افغانستان، ابر قدرت شوروی درست بخاطر فشار آوردن روی رهبران انقلاب اسلامی ایران، در ایران حادثه می آفریند.

مدتسی پیش معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت ایران رسماً اعلام داشت که در بلوچستان ایران دست شوروی در کار است. این روزها خبر از ترکمن صحرا میرسد که بار دیگر نا آرامی به آن سامان باز گشته است و ما می دانیم که عمال روس در ترکمن صحرا دست داشته و دارند.

دارو دستهای کیانوری هم که مو به مو سیاست ابر قدرت شوروی را در ایران پیاده میکند، ظاهراً "خود را طرفدار مومن جمهوری اسلامی نشان میدهد اما در عمل و از زیر پا کلیه اخلالگریها در ارتباط بوده و ما در همین شماره رنجبر سندی از سال ۱۳۵۴ همین حزب انتشار میدهم که نقش آنرا در سازماندهی حزب دمکرات کردستان بر ملا میسازد.

شکی نیست در حزب دمکرات کردستان

شوروی

مبارزین استقلال خواه که به نامیت ارضی ایران ایمان دارند موجودند، اما در آثار آنها خود فروختگانی هستند که سالهاست برای وابسته گردن میهن ما به ابر قدرت شوروی تلاش کرده اند.

صد انقلاب در کشور عمدتاً امیرالیستها بویزه آمریکا و شوروی و عملشان هستند. در بسیج نموده ها برای مبارزه علیه ضد انقلاب، باید بی پروا و ابر قدرت و عمال آنها را برملاء ساخت، قدرت نموده های مردم را بطور متمرکز در روی آنها بکاربرد. مشخص کردن دو ابر قدرت و عمال آنها بعنوان عوامل اصلی ضد انقلابی، یکی از شرایط اساسی سرکوب، صحیح ضد انقلاب است.

خطر نفوذ شوروی در جنبش های ملی در کشور ما هر روز زیادتر میشود علت آن در اینست که دقیقاً بین خواست های واقعی مردم که بر حق است و باید طبق شرایط از طریق مسورت قدم بقدم حل گردند، و توطئه های عمال بیگانه تا بیگانه گردانده نمی شود. و درست بهمین خاطر ضد انقلاب می تواند سوء استفاده کرده و مردم را به انحراف و گمراهی بکشاند.

خطر امیرالیسیم شوروی در همین حاست - برخورد نادرست دولت پاکستان به ملیت ستمدیده بنگال باعث شد که امیرالیسیم روس قادر شود از طریق هندوستان عملاً پاکستان را به دو قسمت تقسیم نماید.

امروز در سراسر ایران ملیت های ستمدیده خواستار حقوق حقه خود هستند و ابر قدرت شوروی و عمالش که منافع ساقه جبهه ی گریهش برای مردم روشن نیست خود را "مدافع" حق آنها اعلام می کند و در مقابل حکومت ملی ما بغلبل مختلف قادر نیست توطئه ها را افشاء نماید، عمال دشمن را منفرد سازد و از خواست های بحق نموده ها دفاع نماید و با کار اقطاعی با آنها متحد شود.

حرکت بزرگ نموده های و نظامی کنونی برای سرکوب ضد انقلاب در کردستان حتماً باید همراه با کار سیاسی و جساب بدرخواست های واقعی مردم کردستان و دهقانان ستمدیده آنجا باشد چنانچه از این کار تصور گردد زمینه برای ادامه توطئه گری های دشمنان انقلاب فراهم خواهد شد و ضربه پذیری انقلاب زیادتر میگردد.

متحد شویم و مرز روشنی با عوامل ضد انقلابی وابسته به دو ابر قدرت ترسیم کنیم، متحداً ضد انقلاب را سرکوب کرده و با بر آوردن خواستهای بحق و انقلابی خلق و صفوف انقلاب را فشرده تر ساخته و انقلاب را به پیش رانیم.

کشورها به مناطق نفوذ خویش می باشد و به همین خاطر با ایجاد وابستگی اقتصادی، کشورها را از نظر نظامی و سیاسی هم تحت نفوذ خود در می آورد.

دیکتاتوری تعیین و حجاب مشغول فرار به خارج از کشوراند . در روز ۲۳ فروردین طرح زنانه مردانه کردن آب دریا در آیندگان غوغا به پامیکند و مزه تیراز بالای مسئله حجاب را یار دیگر در زیر دندانهای شورای سر دبیری آیندگان زنده می کند .

در روز ۲۶ فروردین آیندگان مقاله ای بلند و بالا می نویسد که در ایران خطر عمده فاشیسم و استبداد است نه امپریالیسم و استعمار (که یعنی مردم به جنگ دولت بروید و نه همراه دولت به جنگ ابر قدرتها) و در روز ۲۷ فروردین خبری منتشر می کند سوسیالیستی. نهای طرفدار " آزادی زنان در لندن به کلیه مترجمین ایران هشدار می دهد که حقوق زنان را پایمال نکنید و گرنه ... ؟ .

و در روز ۳۰ فروردین نغمه رادیومسکو این صدای امپریالیستهای روسی از میان صفحات آیندگان بلند می شود که گرایش های دیکتاتوری در ایران دیده می شود و آیندگان جای خوبی را باین نقل قول اختصاص میدهد .

آیندگان اول اردیبهشت می نویسد ارتجاع می خواهد دیکتاتوری را بازگرداند ، مقاله ای ضد دولتی که حتی نمی تواند انتقاد هم بکند .

آیندگان ۲۰ خرداد با " زحمتکشان " مصاحبه می کند و " اتفاقا " آنها طرفدار شاه از آب درمی آیند ! و آیندگان ۴ تیر طی مقاله بلند و بالائی مردم را گوسفند می خواند و دنباله رو و احمق می انگارد .

در روز ۱۴ تیر باز حمله به قطب زاده آغاز می شود و ۱۱ تیر طی مقاله ای یک نویسنده مشهور براندازی به اصطلاح " حکومت بورژواها (حکومت بازرگان) را توصیه می کند و ۲۰ تیر در مقاله ای باز به نامی دیگر فحاشی به انقلاب مردم و رهبر مورد اعتماد مردم جای برجسته ای را به خود اختصاص می دهد و ... تا به روز توقیف که این مشی ادامه داشت .

چیزی که در آیندگان و تیتروهای پیش از ۱۷۰ شماره آن دیده نمی شود استقلال است ، خطر امپریالیسم است ، اما همواره تلاش دارد تا حمله مردم را تحت عنوان مبارزه با ارتجاع و فاشیسم داخلی به سوی دولت ملی و جنبش اسلام مبارز منحرف کند .

مسئله دوم آرایش گری سوسیال امپریالیسم روس است

آیندگان از همان روزهای اول آرایشگر چهره کربه سوسیال امپریالیسم روسونوکران بومی آنهاست . باز اگر بخواهیم کار نامه ۶ ماهه آیندگان را ورق بزنیم مطلب بسیار

و همه سازمانهای انقلابی خلق امریکائی نامیده می شوند چرا که شوروی را کشور امپریالیستی و دشمن مردم ایران ارزیابی می کنند .

در مدت ۶ ماه انتشار آیندگان فقط یک مقاله از افغانستان چاپ می کند ، آن هم مصاحبه نوکر امپریالیسم روس آقای تزه کسی است که بی شرمانه خلق قهرمان افغانستان را عامل امپریالیستهای امریکائی می خواند و قیامهای به حق مردم را کار سازمان جاسوسی امریکا (سیا) قلمداد می کند . آیندگان وقتی در ۱۹ فروردین به مسئله گنبد برخورد میکند به جای اخلال ابر قدرتهای امریکا و روسیه که اولی به وسیله عمالش و دومی هم به وسیله مزدوران بومی اش و هم مستقیما " باباگذاران مرزها و رادیو عشق آبادش توطئه می چیند واقعه گنبد را فقط و فقط تقصیر افراد بی تجربه کمیته ها می نامد و صدها نمونه دیگر که جای آن در این مقاله کوتاه نیست و احتیاج به جزوه و رساله ای دارد .

تخریب قوم جعل اخبار ، دروغ پردازی ، تحریف حقایق

در کار نامه ۶ ماهه آیندگان بیش از ۸۰ تکذیب وجود دارد یعنی به طور متوسط هر دو شماره یک تکذیب و تازه این تعداد تکذیباتی است که مسئله مهی را در بر می گرفته ، و به تحلیل ما در خدمت خط مشی زدودن اعتماد مردم نسبت به رهبری ، انقلاب ، دولت ، کمیته ها و غیروست . چند نمونه از این تکذیب ها را می آوریم .

آیندگان ۱۴ فروردین می نویسد : که اطلاعات صریحا " اعلام داشته که این نشریه از طرف یکی از آیات عظام سانسور می شود و بعد در ۱۶ فروردین این خبر از طرف اطلاعات کاملا " دروغ و کذب خوانده می شود .

آیندگان ۲۱ فروردین خبر تصفیه در شورای دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی را می دهد که در ۲۲ فروردین همین شورا خبر آیندگان را کاملا " خلاف واقع می خواند .

آیندگان ۱۶ فروردین خبری راجع به دو تن از اعضای کنفدراسیون که کوئی به نقل از آیندگان در حال گفتگوی تلفنی با امریکا دستگیر می شوند از طرف کمیته زندان قصر می دهد که اساسا " زمین تا آسمان با واقعیت تفاوت داشته و تکذیب می شود .

خبر کذب غارت کاخ مهر شهر و اموال پهلوی به توسط دولت و ارکانها که از

شوروی

آیاتی چند از قرآن و سپس بخش پیام امام خمینی بمناسبت روز قدس آغاز گشت ، پس از بخش پیام امام خمینی ، آقای مهندس بازرگان نخست وزیر سخنانی بیرامون آرزوی آزادگان جهان مبنی بر آزادی خلق فلسطین و بیت المقدس ایراد کردند . پس از آن حجت الاسلام شبستری سخنانی دربارہ مسئله فلسطین و صهیونیسم گفتند و سپس نوبت به نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین رسید که خطاب به شرکت کنندگان در میتینگ (از جمله سفیرای کشورهای اسلامی که بمناسبت این مراسم در روز جمعه حضور داشتند) پیام سازمان آزادیبخش را قرائت کرد . در میان فریادهای فلسطین فلسطین متحد خلق ما خمینی ، خمینی امام امت ما و قدس عزیز اسلام آزاد باید گردد ، اسرائیل خون آشام نابود باید گردد ، آیت الله طالقانی دو خطبه نماز روز جمعه را یکی در باب مسائل داخلی کشور و دیگری مربوط به مسئله فلسطین ایراد کردند و سپس مراسم نماز جمعه با شرکت روحانیون بر جسته ، نخست وزیر ، اعضای کابینه دولت و سفیرای کشورهای اسلامی برگزار گردید و جمعیت با دادن شعارهایی علیه صهیونیسم ، امپریالیسم و توطئه گران ضد انقلاب در خیابانهای اطراف دانشگاه متفرق گشتند .

برگزاری پرشکوه روز قدس یک پیروزی بزرگ برای خلقهای مبارز ایران و فلسطین بود . به جهانیان و به دو ابر قدرت امریکا و شوروی و صهیونیسم با دیگر نشان داد که خلق فلسطین تنها نیست و خلفها و ملل ستمدیده جهان متحدو پشتیبان او هستند و با کمک یکدیگر و با سلاح رز ه مسلحانه صهیونیسم ، امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم را شکست داده و فلسطین را آزاد خواهند کرد .

دارو دسته

حزب توده ایران . حزب واحد طبقه کارگر در سراسر ایران که به احیای سازمان های حزب دمکرات کردستان را یکی از مهمترین وظایف خود می داند و بدین منظور از همه مبارزین انقلابی کرد در ایران دعوت میکند که با مراعات کامل اصول پنهان کاری و رهنمودهای سازمانی ، گروههای جداگانه حزب دمکرات کردستان را بوجود آورند و با مرکز حزب توده ایران رابطه برقرار کنند حالا باید پرسید تا چه اندازه تسکیلات کنونی حزب دمکرات در کردستان نتیجه ی این کار چند ساله حزب توده در آن نیست ؟ باید پرسید پاسخ دار و دسته کیانوری بسه مردم ایران در مقابل اخلال کربهای حزب دست پرورده ی دمکرات کردستان چیست ؟

کشورها به مناطق نفوذ خویش می باشد و به همین خاطر با ایجاد وابستگی اقتصادی ، کشورها را از نظر نظامی و سیاسی هم تحت نفوذ خود در می آورد .

۴ - جاسوسی در زمینه صنایع : سرقت اکتشافات جدید تکنولوژی و دزدی اسرار تولیدی کشورهای صنعتی اروپای غربی و جمع آوری مملوومات در این خصوص نیز از وظایف کا - گ - ب می باشد . در صورت لزوم سعی می کند تا دانشمندان و کسان را که دارند برای اکتشافات جدیدی فعالیت می کنند گرفته و به شوروی بیاورند .

۵ - تأثیر گذاری روی تصمیمات کشورهای خارجی : کا - گ - ب به کمک جاسوسانش در پارلمان کشورها و ادارات دولتی و شوراهای موجود در آن کشور سعی میکنند روی تصمیماتی که اتخاذ می شود به نفع روسیه شوروی اثر بگذارند . و به همین خاطر به هر گونه وسیله ای و در راس آنها به دادن رشوه و اعمال شانناژ و تهدید متوسل می شود .

۶ - بیرون دادن اطلاعات نا درست : در مورد نقشها ، سیاستها و بهویژه هدفهای حکومت شوروی اخبار کاذبی را انتشار داده و بدین ترتیب تلاش می کند تا دنیا و یا حکومتهای مورد نظرش را فریب داده و به اشتباهشان در اندازد و در نتیجه در جهت منافع شوروی تصمیماتی اتخاذ کنند .

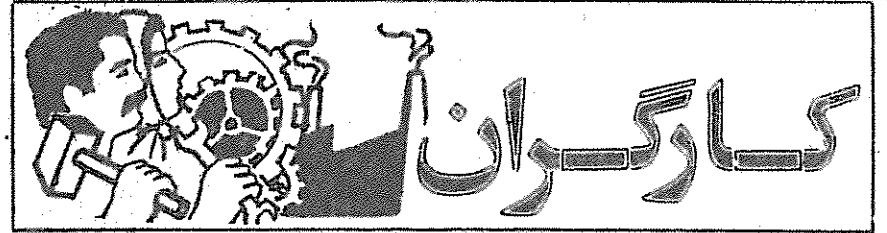
۷ - خرابکاری و سابوتاژ : با دامن زدن به اغتشاشات داخلی کشورهای خارجی ، تحریک و دامن زدن به حوادث خشونت بار و ترور ، کشور را در یک وضع تنگنایی قرار داده و دست به تخریب و سابوتاژ می زند .

۸ - کودتاها : حمایت و پشتیبانی از کانون های سیاسی طرفدار روسیه در کشورهای مختلف و یا افسران طرفدار مسکو در داخل ارتش به منظور به دست گرفتن حکومت و تدارک کودتا .

به عنوان مثال از فعالیت های دیپلماتهای شوروی که در کشور های خارجی فعالیت می کنند چند نمونه مشهور را ذکر می کنیم : در سال ۱۳۵۰ تعداد ۱۰۵ نفر از نمایندگان دیپلماتیک شوروی در کشور انگلیس به دلیل اشتغال به امور جاسوسی از این کشور اخراج شدند . در سال ۱۳۵۲ یکی از اعضاء هیئت نمایندگی شوروی به هنگام دزدی یک گیروسکپ و ابزار اشعه لایزر از یک نمایشگاه در پاریس دستگیر گردید و به علت جاسوسی از فرانسه اخراج شد . در طی سه سال اخیر تعداد ۱۵۰ نفر از جاسوسان کا . گ - ب از کشورهای امریکای لاتین اخراج شده اند . در سال ۱۳۵۶ بسته ای که حاوی بمبی بود توسط جاسوسان کا . گ - ب برای رئیس جمهوری یمن شمالی ارسال شده و طرحی برای کودتا در یمن شمالی پیاده شد که موفقیت آمیز نبود . اما از نمونه های جالب فعالیت های کا . گ - ب که تا حدودی شیوه کار آنها را نشان می دهند بعضی فعالیت های بر ملاء شده کا . گ - ب در هندوستان را می توان ذکر کرد . یک نمونه آن که چند ماه پیش اتفاق افتاد دستگیری یکی از افسران باز نشسته وزارت دفاع هند بود که به کمک یک سرمایه دار مشغول جاسوسی برای کا . گ - ب بود . این جاسوس شوروی با پشتیبانی و اعمال نفوذ شوروی که در هند دارای نفوذ و قدرت زیادی است در مقام حساسی در وزارت دفاع هند قرار داده شده بود . این شخص بعد از فیلم برداری از اسناد محرمانه وزارت دفاع هند با شخصی که ظاهرا " در کلکت به تجارت مشغول بود و با او دوستی داشت تماس گرفته اسناد تهیه شده را در اختیار او می گذاشت . تاجر اهل کلکتته هم در سفرهای مکرری که برای امر تجارت خود به اروپا می کرد اطلاعات جمع آوری شده را در اختیار مقامات کا . گ - ب در آنجا می گذاشت . بعد از کشف اسرار این شبکه معلوم شد که دو نفر از دیپلماتهای روسی در هند به نامهای لئونید اندروویچ زرنف و یوری رازی هیوین که در سفارت شوروی کار می کردند گرداننده این شبکه بوده اند . این دو نفر به تقاضای دولت هند از هندوستان اخراج شدند .

یک نمونه دیگر از این فعالیت های کا . گ - ب که در نشریه " دهلی نو " در پائیز ۱۳۵۷ (۱۸ سپتامبر ۱۹۷۸) آمده است داستان یکی از رهبران کنگره جوانان دربنگال غربی است . این شخص به همراه یکی از نمایندگان مجلس که منتخب کرالا است وقتی سفری به شوروی می کنند با چند زن که بعدا " معلوم می شود از جاسوسان کا . گ - ب بوده اند آشنا می شوند . وقتی این دو با جاسوسان شوروی همبستر شده بودند از آنها فیلم برداری می شود . با استفاده از این فیلمها و با تهدید انتشار عکسهای گرفته شده هر دو شخصیت هندی مجبور به همکاری با کا . گ - ب می شوند .

یک مورد دیگر از فعالیت های کا . گ - ب در هند جاسوسی یکی از افسران نیروی دریایی هند بود که چندی پیش در بمبئی دستگیر شد . روابط این شخص یکی از دیپلماتهای سفارتخانه شوروی بود که در حومه بمبئی اقامت داشت ، افسر نیروی دریایی اسناد تهیه شده خود را هر بار که به حومه شهر برای " تفریح " می رفت در اختیار جاسوس کا . گ - ب بقیه در صفحه ۳



کارگران مسئول گرانی نیستند

در ماههای اخیر ما شاهد گرانی و کمبود روز افزون مایحتاج عمومی مردم، مواد اولیه و وسایل یدکی برای کارخانجات و مؤسسات توانیدی بوده ایم. به دنبال این کمبودها شایعاتی شنیده می شود که تقصیر تمام گرانیها را به گردن کارگران شریف و زحمتکش می اندازند. شایعه پراکنان میگویند: "کارگر ایرانی اگر آزاد باشد کار نمی کند." و بلا فاصله نتیجه می گیرند که "بنابراین باید کارگران را به زور به کار وادار کرد و هر گونه آزادی را از آنان گرفت!". ما برای اینکه ماهیت این شایعات را روشن کنیم و نشان دهیم که چگونه این شایعه سازان دانسته و ندانسته آب به آسیاب دشمن ریخته و در خدمت امپریالیسم قرار می گیرند به علل کمبودها و گرانیها می پردازیم.

اصولاً "به دنبال هر انقلابی واز جمله انقلاب ما چنین مشکلاتی بروز می کند، که علت های مختلفی دارد برای اینکه بدانیم در انقلاب ما این علل از کجا سرچشمه گرفته، باید از خود سؤال کنیم که انقلاب به منافع چه کسانی لطمه وارد آورده است و دست چپاول گر چه قدرتهایی را از کشور ما قطع کرده است.

همه می دانند در این انقلاب بزرگترین لطمه به امپریالیستها و وابستگانشان وارد شد. آنها هستند که با این انقلاب بیشترین هر کسی منافع خود را از دست داده اند. ولی آیا آنها که سالها همچون زالو های خونخوار خون ملت ما را مکیده اند به این سادگی دست از سر ما بر می دارند؟

یقیناً "خیر، آنها بهر حیل های متوسل می شوند تا دوباره اوضاع را به حالت اول برگردانند و خونخواری خود را از نو آغاز کنند. ولی چگونه؟ اولین مانعی که در مقابل عمال امپریالیسم قرار دارد وحدت خلق است. آنها بهر ترتیب که شده تلاش میکنند تا تمام طبقات و اقشار مردم را به جان یکدیگر بیندازند. آنها برای رسیدن به هدف خود در شرایط فعلی به دو عامل متوسل می شوند:

- ۱- عامل اقتصادی : عمال
 - ۲- عامل سیاسی
- امپریالیسم در کشور ما به خوبی می داند که کشور ما در گذشته تا چه حد به امپریالیسم وابسته بوده. اکثر کالاهای مصرفی کشور،
- مردم را نسبت به انقلاب بد بین نمایند. در این میان عده ای سود جو برای اینکه از آب گل آلود ماهی بگیرند از این وضع برای جیب خودشان سوء استفاده کردند و در واقع ندانسته در خدمت امپریالیسم قرار می گیرند.
- ۲- عامل سیاسی : امپریالیسم پس از آنکه در سیستم اقتصادی مملکت اختلال نمود در واقع زمینه را برای بهره برداری سیاسی آماده نموده است. اولین هدفش ضربه زدن به وحدت خلق است زیرا تنها از این راه است که می تواند به هدف نهایی خود برسد. اما چگونه؟ مگر نه این است که بزرگترین دشمن امپریالیسم طبقه کارگر است؟ مگر نه این است که در انقلاب ضربه اصلی را طبقه کارگر بر پیکر امپریالیسم وارد آورد؟ بنابراین امپریالیستها همه بنوبه خود سعی می کنند ضربه را به دشمن اصلی خود یعنی طبقه کارگر وارد کنند. آنها برای وارد آوردن این ضربه به عوامل زیر متوسل می شوند.
- ۱- امپریالیسم می خواهد در صف متحد طبقه کارگر و دیگر نیروهای ملی شکاف انداخته و آنها را به جان هم بیندازد.
- بنابراین از طریق عوامل وابسته به خود شایعه پراکنی می کند که "عامل گرانی و کمبود کارگران هستند" در این میان فرصت طلبان سود جو هم برای اینکه خود را بیگانه جلوه دهند و باز هم به احتکار و گران فروشی ادامه دهند به این شایعه پراکنی کمک میکنند و آن را دامن می زنند.
- ۲- امپریالیسم از طریق عوامل وابسته خود چنین وانمود می کند که اگر به کارگران آزادی داده شود از آن سوء استفاده می کنند و دیگر خوب کار نمی کنند. از این طریق ذهن انحصار طلبان را نسبت به طبقه کارگر مغشوش نموده و آنها را وادار نماید تا در جهت محدود کردن آزادیها و حقوق حقه کارگران حرکت کنند.
- ۳- گروههای فرصت طلب چپ نما با اختلال گریهای خود بین کارگران با دولت و سایر نیرو های ملی اختلاف انداخته و ناآگاهانه در خدمت امپریالیسم قرار می گیرند.
- بنابراین کارگران و دیگر نیروهای ملی برای ادامه انقلاب و رسیدن به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بایستی آگاهانه هر سه جریان انحرافی (شایعه پراکنان - نفاق افکن ضد کارگر، انحصار طلبان و چپ ناهای فرصت طلب) را از صفوف خود

نامه يك کارگر : فرار از استثمار یا مبارزه با آن؟

دوست کارگری داشتم در کارخانه ای معمول کار بود. در کارش استاد بود. همیشه اوقات بیکاریش را با من می گذراند. یادم می آید روزی نزد من آمد و گفت: دیگر بس است خسته شدم. از بس برای این سرمایه دارهای جهان خوار کار کردم. آخه این هم شد زندگی. صبح تا شب کار بکنی و عرق بریزی آخرش هم مقدار پول نا چیز و بخور نمیری که می گیری باز باید به خودشان بدهی. می گفت: صدای زن و بچام در آمده میگویند ما هم احتیاج به غذای گرم و یوساک خوب و زندگی راحت داریم. حالا تو بگو ناراحتی ندارد. چکار می توانم بکنم. می گفت: مگر نمی توانی اعتراض کنی به زیادی کار و کمی دست مزد؟

گفت: تو فکر می کنی در جهان به این بزرگی اعتراضی نبوده. چه فایده؟ اگر من صدایم در بیاید از کار اخراج می شوم.

گفتم: خوب مگر چه ایرادی دارد؟ تو که در کارت مهارت داری میروی جای دیگر.

گفت: "اولاً" اگر مرا از کارخانه اخراج کنند می دانی چه می شود؟ چون ما را به زندگی مصرفی عادت داده اند تمام طلب کارها و قسط بگیرها از جمله صاحبخانه پول خودشان را می خواهند و دیناری هم گذشت ندارند. در ثانی مگر کارخانه ای دیگر چه فرقی با این کارخانه دارد. تمام کارخانه دارها سرمایه دار هستند و همه خونخوار. ثالثاً اگر از این کارخانه به کارخانه دیگر بروم تازه در دستمزد هم فرق می کند به این صورت که تمام سوابق کارم از بین رفته و باید با حقوق اولیه در کارخانه جدید صاحب کار شوم.

گفتم: تو که در کارت استادی چرا برای خودت کار نمی کنی؟

گفت: آخه برادر عزیز اگر من پول و امکانات و تسهیلات لازم را داشتم دیگر کارگر و وابسته نبودم. آقائی خود را میکردم و مستقل می شدم.

نهم. در گذشته تجربه کشاورزی داشته ای، با خانواده ت بروید کشاورزی بکنید. گفت: اولاً با کدام زمین؟ تازه آنکه زمین دارد. آب و کود و وسیله مورد نیاز را از همین سرمایه دارها باید بگیرد. این کار هم مرا به مقصد نمی رساند.

گفتم: راستش را بخواهی من هم که دوست تو هستم دیگر فکرم کار نمی کند که ترا یاری نمایم.

گفت: می دانم بالاخره یک فکری می کنم و خود را نجات می دهم. خدا حافظی کرد و رفت.

ماهها بعد خبر رسید، بالاخره تصمیم خودش را گرفت و رو در روی صاحب کارخانه ایستاد. و تو دهنی محکمی به او زد. او هم از نفوذ و قدرت خود استفاده کرده و دوستان را بیرون انداخت.

بله دوستانم آنقدر آزاد و بیگار و بی پول گشت تا روزی که از گشنگی و ضعف و ناراحتی های روحی به بیمارستان منتقل شد، ولی همیشه می گفت من مرگ را بر استعمار شدن و جانی پرورش دادن ترجیح می دهم. آیا به نظر شما این درست بود. او می خواست مستقل باشد و مستقل زندگی کند. چگونه؟! ...

ما عین نامه این رفیق کارگر را چاپ کردیم، به خاطر اینکه مسائل مهمی در آن مطرح شده است. ما این مسائل را یک یک می شکافیم تا ببینیم چرا کار رفیق کارگر ما به بن بست کشیده شده.

رفیق ما از استعمار، عرق ریختن و کار کردن برای دیگران دلخور است و حق هم دارد. ولی راهی که او برای نجات خودش انتخاب کرده است راه درستی نیست. چرا؟ برای اینکه:

اولاً - این رفیق ما توجه ندارد که مسئله او به عنوان یک کارگر یک مسئله فردی نیست که با مبارزه فردی حل بشود. مسئله او مسئله یک طبقه است. او توجه ندارد که چون دست تنها رو در روی صاحب کارخانه می ایستد شکست می خورد و صاحب کارخانه او را بیرون می اندازد. در حالی که اگر این رفیق کارگر ما با بقیه رفقای کارگرش کوشش می کردند که متحد شوند اتحادیه واقعی خود را بوجود بیاورند، آن وقت دیگر کار فرما قادر نبود هر وقت که میلش کشید آنها را از کارخانه بیرون بیندازد. آن وقت اتحادیه کارگری یعنی نماینده کلیه کارگران کارخانه در مقابل صاحب کارخانه می ایستاد و از حق کارگران دفاع می کرد. کار فرما از پراکندگی و تفرقه کارگران سود می برد. وقتی کارگران متشکل و متحد نباشند کار فرما هر کار که دلس خواهد می کند.

ثانیاً - این رفیق کارگر ما به قدرت خودش به عنوان یک کارگر توجه ندارد. او عضوی از یک طبقه میلیونی است که نه تنها می تواند خودش را نجات دهد. بلکه دنیا را هم می تواند نجات بخشد. این کار هم از طریق متحد شدن، شرکت در مبارزه سیاسی خلق بر علیه امپریالیسم است.

ثالثاً - یک انحراف بزرگ در بین کارگران وجود دارد و آن هم، رخنه ای افکار سرمایه داری در بین آنان است. یک کارگر کارش را ترک می کند باین علت که می خواهد خودش را از شر استثمار نجات بدهد و برای خودش کار بکند. با این کار نمی توان از شر استثمار نجات یافت. رفیق کارگر ما به جای این کار باید به میان رفقای کارگرش بر گردد تا با کمک آنها و میلیونها کارگری که در سراسر کشور پراکنده اند متحد شوند و مبارزه های را به پیش ببرند که نه فقط خودشان بلکه همه ی جامعه را از شر استثمار نجات بدهند.

پای در دلدل يك کارگر نقش

یک روستا که هنوز هم اقوامش آجا هستند سکونت می کنند، همه چوپانی می کرده اند برای اربابها.

می گفت پس از سربازی دیگر به ده نرفتم و با روزی ۱۲ تومان در کارهای ساختمانی در بنادر جنوب کار می کردم. هر وقت به ده می آمدم چند نفر را می بردم که لااقل کاری یاد بگیرند. با مردم آشنا شدند و بی خودی و مفت چوپانی نکنند، اربابها که آب و آه دندند گفتند که فلان

روسارادهای صمیمی و پر جرات است، تا قبل از سربازی در روستا به چوپانی مشغول بوده با درآمدی حداکثر ۲ سال یک هزار تومان، از سربازی اش می گفت که هیچ یاد نگرفته.

تصریف می کرد که چگونه در سربازی با علاقه فقط مختصری خواندن یاد گرفته و می گفت اگر همه ی دهاتیها همین قدر بلد باشند بخوانند آن وقت کدخدایان و زاندارها به خاطر دادن ورقه ی پایان خدمت و یا معافیت از سربازی، ۲ هزار تومان این بدبختها را سرکشیه نمی کنند.

رنجبر، معنی آدم - تویی

شاد بمان ای هنری رنجبر، ای شرف دوده ی نوع بشر. ای ز تو آباد جهان وجود، هیچ نبود ارگه وجودت نبود. دولت شاهان اثر گنج توست، راحت اعیان ثمر رنج توست. گر تو دو روزی ندهی تن بکار، یکسره نابود شود روزگار، باعث آبادی عالم تویی، رنجبر، معنی آدم - تویی. (لاهوتی)

روزیسیسم در سورما به خوبی مدانده کشور ما در گذشته تا چه حد به امپریالیسم وابسته بوده. اکثر کالاهای مصرفی کشور، از خوراکی گرفته تا مواد اولیه و وسایل یدکی کارخانه ها و ماشین آلات از کشورهای امپریالیستی وارد می شد، در شرایط فعلی هم تا زمانی که کشور ما به استقلال کامل اقتصادی دست نیافته ناچار است که مقداری از کالاهای مصرفی و صنعتی خود را از خارج وارد کند. بنابراین عمال امپریالیسم با تمام کوشش خود اخلاص می کنند: از طرفی تلاش می کنند به اشکال مختلف از قبیل احتکار، نرساندن مواد اولیه و اشکال دیگر در سیستم اقتصادی مملکت اخلاص نموده و از این طریق

هر سه جریان انحرافی (شایعه پراکنان - نفاق افکن ضد کارگر، انحصار طلبان و چپ نهای فرصت طلب) را از صفوف خود رانده و هر چه فشرده تر در جهت ایجاد و تقویت اتحاد بزرگ ملی کوشش نمایند. از طرف دیگر، برای اینکه زمینه برای اخلاص عمال امپریالیسم تنگ گردد دولت بایستی اقدامات قاطعی را در جهت قطع وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیستها انجام بدهد. این کار از طریق فراهم نمودن زمینه های لازم برای افزایش تولیدات ملی عطفی است و دولت فقط با اتکاء به نیروی ملیونی طبقه کارگر و سایر نیروهای ملی است که می تواند به این هدف نائل گردد.

شوروی...

فرار می داد و مبلغ زیادی پول دریافت می کرد. پلیس همد بعد از یک سال که این شخص را تحت نظر داشت موفق شد راز او را کشف کند و به زودی دو افسر دیگر را که کارشان مربوط به پروژه های مخفی موشک های هند بود دستگیر نمود. نشریه اتحاد جهان سوم که در دهلی نو چاپ می شود می نویسد که کا.گ. ب علاوه بر اینها بندهای محکمی برای جمع آوری اطلاعات با حزب "کمونیست" (روزیونیست) هند و بنگاه های انتشاراتی آنها و چندین دفتر واردات و صادرات دارد که با دریافت کمک های مالی وسیعی در خدمت کا.گ. ب قرار دارند.

همان طور که گفتیم فعالیت های سازمان کا.گ. ب از طریق دیپلمات های شوروی در کشورهای مختلف و با دادن پول یا با شیوه های ارباب و تهدید انجام می گیرد. ولی یکی از عمده ترین سلاحيات این سازمان مخوف احزاب محلی وابسته به روسیه هستند که با پول و حمایت دیپلماتیک شوروی شبکه های تشکیلات خود را توسعه می دهند و سپس با کمال میل به جاسوسی برای "حزب بزرگ برادر" می پردازند. این احزاب و رهبران خیانت پیشه آنان نه تنها از این شبکه های خود شرمند نیستند بلکه به این کار خود به عنوان انترناسیونالیسم پرولتری "داده و به آن افتخار هم می کنند. مثلاً همین چندی پیش بود که اس.ا. دانه (S. A. Dange) صدر حزب روبریونیست هند با کمال افتخار اعلام کرد که یکی از سازمان های مربوط به حزب (AITUE) مبلغ ۷۰ هزار روپیه به عنوان "هدیه" از دولت شوروی دریافت کرده است. این "هدایا" که در ازای فروش اطلاعات و دیگر خدمات به "کشور بزرگ برادر" از طرف دولت شوروی و سازمان کا.گ. ب به احزاب روبریونیستی پرداخت میشود السد بعضی سی اندازه وسیعتر از اینها دارد.

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمک مالی خوانندگان، بخش موثری در ادامه کار ما دارد. مشکلات مالی ما زیادند و بدون یاری تک تک خوانندگان، این مشکلات از میان برداشته نخواهند شد. هر کس که "رنجبر" را نشریه ی خودش پیدا کند و وظیفه دار در جردتوانائی اش به آن کمک کند، سیاست ما اتکاء به نیروی لایزال مردم است و به همین خاطر مشکلاتمان را با شما در میان میگذا ریم و مطمئنیم که با شما و همراه شما آنها را یک بیک حل خواهیم کرد. در انتظار ریاسبت مثبت شما هستیم.

تهران - شعبه خیابان ایرانشهر
شماره حساب ۴۵۳۶۸

به خاطر دادن ورقه های پایان خدمت و یا معافیت از سربازی، ۲ هزار تومان این بدبختها را سرکسیه نمی کنند. می گفت کدخدای ده ما که مرد بسیار شوری بود و اقوامش در پاسگاه، در شرکت تعاونی، در خانه انصاف ده همه کار بودند جقدر به مردم ظلم کرده. تعریف کرد که چگونه پس از سالها عملگی در بنادر جنوب قادر شده در ده ۸۰ متر زمین بخرد و آن را صاف کند، بی بکند و سنگ بریزد ولی هنوز که هنوز است نتوانسته آنها بسازد، حتی یک بار این کدخدا چند ماه قبل از انقلاب می خواسته ۲۰ سانت از زمینش را تصاحب کند و او با قدرت فوق العاده ای دیوار کدخدا را خراب کرده، می گفت آنقدر مردم می ترسیدند که حتی برادرم نیز از کدخدا جانب داری می کرد. می گفت اگر زاندارمها هم بیایند من از زمینم نمی گذرم چون اینجا لجن زار بوده و من آنرا صاف کرده ام تا پولی پیدا کنم و آنرا بسازم. ۲۷ سال دارد، زن دارد و یک دختر کوچک ۲ ساله - در یکی از محلات فقیرنشین اسلام آباد زندگی می کند و ماهیانه ۱۵۰ تومان پول کرایه خانه می دهد. صاحب خانه می خواهد ۵۰ تومان کرایه را زیاد کند و یا او را بیرون کند. می گوید اگر ندهم کجا بروم اگر بدهم چه بخوریم؟ الان در شهر نقاشی ساختمان می کند. تعریف می کرد که چگونه و با چه مشکلاتی نقاشی را پس از سالها کارگری از یک اوستا یاد گرفته. قبلاً هیچ جای ثابتی نداشته اند (ایلشان مرتب کوچ میکرد، بیرق و قسلاقی) تا چند سالگی سکونت - بعد در منطقه غرب در

دعوت به همکاری

رفقای کارگر "رنجبر" متعلق به شما و متکی به شماست. ما را آنجا که متعددمتسبها را خدمت بخلاق اتکاء به نیروی لایزال بوده است، از شما می خواهیم ما را در انجام وظایفمان یاری و کمک نمائید. برای اینکه ما بتوانیم خواسته ها و مطالبات شما را منعکس کنیم از شما رفقای کارگر می خواهیم از فعالیتها و رویدادهای محل کار و زندگی خود خبر و مطلب تهیه کرده و برایشان بفرستید. همسطور اگر انتقاد - سوال یا پیشنهادی دارید برایشان بنویسید. ما منتظر دریافت مطلب - مقاله - خبرنامه - گزارش - انتقاد - نظر - نعره و عکس از طرف شما هستیم.

در مورد فرصت طلبانی می گفت که دم از زحمتکشان می زنند می گفت چرا می آیند از ما بپرسند که شما چه کار میکنید، چه می خورید، چه دردی دارید، آخر نباید بدانند که یک کارگر کجا زندگی می کند جقدر پول می گیرد، وقتی بیکار است چه کار می کند، نان از کجا برای زن و بچه اش می آورد. می گفت من مسلمان هستم ولی می دانم این چیزها که برای کمونیستها می گویند دروغ است. می گفت چندبار بر سر این موضوع در شهر دعوا کرده است. میگفت من می دانم که کمونیستها برای یک کبریت که یک چراغ را هم روشن می کند ارزش قائلند.



رنجبر، معنی آدم - توشی. (لاهوئی)

گرد هم آئی کارگران جوشکار آبادان

* یکی از خوانندگان "رنجبر" طی نامه ای در مورد گرد هم آئی کارگران جوشکار آبادان چنین می نویسد: "نشریه رنجبر ارگان مرکزی سازمان انقلابی"

درود رنجبران و زحمت کنان بر شما باد خداوند بزرگ شما را در وحدت اسلام مبارز و مترقی همراه با ناسیونالیسم و سوسیالیسم انقلابی با همکاری خلق زحمت کش ایران یاری کند.

روز جمعه مورخه ۱۳۵۸/۵/۱۲ ساعت ۶ بعد از ظهر در زمین چمن مقابل دانشکده نفت آبادان گرد هم آئی کوچکی از کارگران جوشکار درب پنجره ساز تشکیل شد. این اجتماع برای آشنائی کارگران جوشکار آبادان با یک دیگر و صحبت درباره ی ایجاد یک سند یکای صد درصد کارگری تشکیل شده بود.

صمیمیتها که در بین کارگران بود و شوق و حرارتی که از خود نشان میدادند نوید این را می داد که کارگران ایرانی جقدر برای ایجاد یک اتحاد بزرگ علاقه دارند. زیرا تشکیل سند یکای کارگری که خود کارگران مؤسس و اداره کننده آن باشند بدون وابستگی به کارگاه دار بزرگ یا صاحب شرکتی، آرزوی هر کارگر ایرانی میباشد.

در این اجتماع هیچ کدام از کارگاه داران شرکت نکرده و خود کارگران برای سرنوشت کاری خود و تلاش برای تشکیل سند یکا فعالیت خواهند کرد.

کارگرانی که در این اجتماع شرکت کرده بودند در ده های بسیار داشته و مشکلات بسیاری را بازگو کردند. و گله از برادران و رفیقان کارگری داشتند که برای شرکت در این گونه اجتماعات سهل انگاری می کنند.

کارگران شرکت کننده در اجتماع از دوستان کارگر جوشکار و درب و پنجره ساز در این گونه اجتماعات که بوسیله اعلامیه یا خود دوستان به آنها اطلاع داده می شود شرکت کرده و با آشنائی بیشتر با دیگر همکاران خود به وحدت کارگری کمک کرده با ایجاد یک سند یکای واقعی و صد درصد کارگری،

بقیه در صفحه ۷

این هفته در تلویزیون

به خاطر اهمیت موضوع، این هفته به روی یک مسئله مهم تمرکز می دهیم و آن اخبار بین المللی تلویزیون به ویژه در مورد مسئله کامبوج است.

در هفته گذشته، در بخش اخبار سیما جمهوری اسلامی ایران، چندین ساعت خبری پخش شد مبنی بر اینکه، در کامبوج، دولت آن کشور (که دست سائده منجاورین ویتنامی است)، " پول بیت " و " بنگ ساری " رهبران ملی کامبوج را غیابا در دادگاه محکوم به اعدام کرده است.

آنچه قابل تاسف است این بود که در بخش اخبار تلویزیون، بدون هیچ گونه تحقیق و بررسی، « تفسیر مستقلی از طرف خود، به دنبال تبلیغات خبرگزاریهای شرق و غرب افتاده و اظهار داشت که حکومت کامبوج گویا توسط " قیام مردم " سرنگون شده است.

اما واقعیت چیست؟ واقعیت آن است که دولت ملی کامبوج در سال گذشته، درست به خاطر اینکه مستقل بود و نمیخواست گردن به وابستگی و انقیاد روسیه و سلطه جوئی شریک کوچک او، ویتنام بدهد، بوسیله یک تجاوز وسیع نظامی ارتش ویتنام به خاک کامبوج سرنگون شد و نه قیام مردم.

یکی از سه اصل اساسی که جمهوری اسلامی بر روی آن تکیه دارد استقلال و عدم وابستگی به شرق و غرب است. اما این استقلال بایستی در تمام زمینهها چه اقتصادی، چه سیاسی، چه نظامی و منجمله خبری و تبلیغاتی که بکار برده می شود. اگر چنین عمل نشود، ناچاراً " منجر به وابستگی به شرق و غرب می گردد.

این مسئله در مورد خبر گیری از نقاط مختلف دنیا هم صدق می کند، چه اکثر خبر گزاریهای موجود که سیما جمهوری اسلامی ایران به آن استناد می کنند، چند خبرگزاری هستند که متعلق به دوا بر قدرت اند، مثل تاس، رویتر، آسوشیند پرس و غیره. حال بایستی دید آیا این خبر گزاریهای خبری را بدون غرض تفسیر و پخش می کنند یا نه؟ به طور مثال اخباری را که راجع به انقلاب اسلامی ما پخش میکنند در نظر بگیریم. خبر گزاریهای غرب انواع تهمت ها و فحاشی ها و دروغها را علیه انقلاب ما به صورت کار زاری ضد انقلابی به پیش برده و می برند و هنوز دم از این می زنند که در ابار، " حمام خون، " براه افتاده و کشتارهای وسیع می شود. آیا این تبلیغات واقعیت دارد؟ آیا

این تبلیغات مفرضانه نیست؟ این تبلیغات به نفع چه کسی است؟ روشن است به نفع دو ابر قدرت و عمال وابسته به آنها.

در مورد کامبوج وضع به همین ترتیب است. حکومت قانونی آن کشور که منتج از انقلاب آن کشور بود، توسط مهاجمین ویتنامی و مرتجعین داخلی کامبوج سرنگون و خلقی به بند کشیده می شود. مهاجمین ویتنامی برای توجیه تجاوز خود، بوق و کرنا بر می دارند که حکومت پول پت، دیکتاتور بود، وضع مردم خرابتر شده بود و به همین دلیل به خاطر " کمک " به خلق کامبوج، تهاجم کردیم و این کشور را گرفتیم. کدام کشور مهاجمی است که عمل تجاوز کارانه اش را با چنین جملاتی توجیه نکرده باشد؟

دولت ویتنام و دوستان امریالیست شوروی آنها، بی بایستی تبلیغات وسیع و دروغین را براه اندازند. و در اینجا است که ناگهان " قبور " سه یا چهار هزار نفری کشف می شود تا دلایل " محکومیت " دولت ملی سرنگون شده مستدل تر گردد.

این تبلیغاتی که در مورد کامبوج انجام می گیرد به نفع کیست؟ بدون هیچ تردیدی کسانی که در پیروزی خلق کامبوج منافع خود را از دست داده بودند و اینها کسی جز دو ابر قدرت استیلا جوی آمریکا و شوروی نیستند، و آنها این تبلیغات را از طریق خبر گزاریهای خودشان انجام می دهند.

تا زمانی که ما خبر گزاری مستقل خود را نداشته باشیم و خبرها را از طریق تحقیق و بررسی مستقلانه خود بگیریم، به خبر گزاریهای دوا بر قدرت وابسته خواهیم بود و در نتیجه به دام تبلیغات زهر آگین آنها و خیرهای مفرضانه آنها گرفتار خواهیم بود. برای حل اساسی مسئله، برای اینکه تبلیغات کشور ما تحت تأثیر تبلیغات دو ابر قدرت نباشد، باید کشورهای جهان سوم متحد شوند و سیستم خبر گیری مستقل خود مستقل از امریالیستها - را درست کنند.

اما تا زمانی که این مسئله حل نشده، ما باید هوشیار باشیم و بر تفسیر هامستقل خود از اخبار تکیه کنیم. ما باید با منفر خود بیاندیشیم و تفسیرهای خبر گزاریهای ابر قدرتها را وحی منزل و حقیقت مطلق محسوب نکنیم.

با مغز خود اندیشیدن و اتکاء به نیروی خود برای خبر گیری یکی از زمینه های مبارزه برای استقلال ملی و ادامه انقلاب است.

خواستهای کارکنان تی بی تی کرمانشاه

حبرکار ما از کرمانشاه گزارش زیر را درباره ی تحمّن کارکنان شرکت تی بی تی فرستاده است:

در روز چهارشنبه ۱۷ مرداد ماه در ساعت ۲ بعد از ظهر در حدود ۳۰۰ نفر از رانندگان و کمک رانندگان و دفتر داران و مهمانداران شرکت اتوبوسرانی تی بی تی در کرمانشاه دست از کار کشیدند و در ساعت ۵ بعد از ظهر در گاراژ را بستند و در محوطه متحصن شدند.

روحیه متحصنین خیلی عالی بود به طوری که وقتی من وارد شدم همه دور من جمع شدند و گفتند خبر نگار آمده بیائید خواسته هایمان را بگوئید و همه می خواستند اسممان و خواسته هایمان را بگویند تا نوشته شود و مردم بدانند که آنها نیز علیه زور بلند شده اند و می خواهند حق خود را بگیرند.

آنها علت اعتصاب خود را چنین بیان می کردند: ما چند روز پیش در تماسی که با صاحب گاراژ (حاجی عزیز مراد احمدیان) گرفتیم از او در خواست کردیم که به خواسته های ما رسیدگی کند. او به ما توجیهی نکرد و گفت: به من مربوط نیست ما نزد استاندار و معاون استاندار رفتیم آنها نیز گفتند به ما مربوط نیست به وزارت کار رفتیم رئیس وزارت کار گفت: من مسئول نیستم اگر توانستید خودتان حق خودتان را بگیرید ما چون اوضاع را این طور دیدیم دست به اعتصاب زده و تا خواست ما را بر طرف نکنند دست از اعتصاب نخواهیم کشید.

یکی از کمک رانندگان به نام بهرام عزیز خانی می گفت ما در هفته باید طبق قانون ۴۸ ساعت کار کنیم ولی به جای ۴۸ ساعت تمام هفته را باید کار کنیم به این صورت که شب و روز باید در راه باشیم وقتی هم که ماشین در گاراژ است باید ماشین را تمیز، گریسکاری و خورده کاریهای ماشین را انجام دهیم و وقت استراحت هم در این گرما یا روی سقف ماشین یا در پیاده رو و یا توی صندوق بخوابیم.

یکی دیگر از کمک رانندگان بنام جواد سفیدی می گفت امروز که حاجی احمدیان دید ما اعتصاب کردیم از اینجا رفت ما هم گفتیم که تا فردا ساعت ۳/۵ باید جواب ما را بدهید و به خواسته های ما رسیدگی کنید. در تماسی که روز بعد ۵شنبه ۱۸ مرداد با کمک رانندگان داشتیم می گفتند نمایندگانشان به استانداری رفته و در مورد خواسته هایمان در حال بحث بودند.

کمک راننده های به نام غلام رضا حیدر مطلوب می گفت: من سه ماه است بیکارم و سه هزار تومان تا به حال بدهکارم ولی بدتر از من یکی دیگر به نام شیرازی می باشد که ۱۵ سال است اینجا کار می کرده تا ۵ ماه پیش که از روی طاقی به زمین افتاده و بایش شکسته از آن وقت او بیکار و بدون حقوق بوده ماهی ۴۵۰ تومان کرایه منزل دارد و سه بچه و زنش را نیز باید خرجی بدهد.

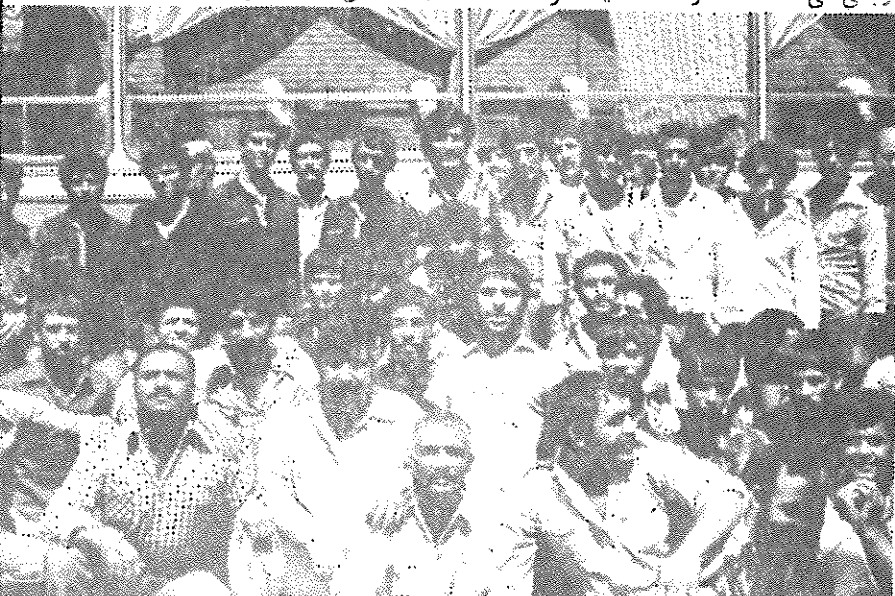
کمک راننده دیگری به نام حشمت الله خراعی می گفت: در شب عید در حاده

این دفترچه اصلاً " اعتبار ندارد یعنی در تهران نه چک ندارد.

به یکی دیگر از کمک رانندگان بیکار به نام حیدر زریان سز دفترچه بیمه داده بودند ولی بدون اعتبار بقیه نیز می گفتند به ۸ نفر دفترچه بیمه داده اند ولی بدون اعتبار و به بقیه نیز نداده اند.

به طور کلی خواست اعتصاب کنندگان بد قرار زیر است:

- ۱- دو روز در هفته استراحت
- ۲- مرخصی سالانه
- ۳- حق سمسه استراحت داده و از اس بد عدد



کارکنان شرکت تی بی تی کرمانشاه

ایلام اتوبوسی به رانندگی شخص دیگری تصادف کرد ولی برای اینکه راننده به زندان نیفتد برای من پابوشی دوختند و گفتند من راننده بودم و مرا به زندان انداختند و ۳ بچه و زن و پدر و مادر پیر من بدون سرپرست بودند من قبل از انقلاب ۹۰۰ تومان حقوق داشتم بعد از انقلاب هم ۹۰۰ تومان حقوق می گیرم.

یکی از کمک رانندگان به اسم عباس میر احمدی می گفت: من ۲۴ سال است در اینجا کار می کردم ۲ سال پیش که تصادف کردم و پایم شکست بعد از هزار بدبختی به من دفترچه بیمه دادند. چند وقت پیش رفتم بیمه و گفتم آقا من برای در آوردن میله پایم بوده ندارم شما برای در آوردن میله به من کمک کنید مسئولین آنجا دفترچه را از من گرفتند و بعد از نگاه کردن گفتند

- ۴- جای استراحت برای کمک رانندگان و مهمانداران
- ۵- حق باز نشستگی

کارکنان شرکت های مسافر برای از زحمتکش ترین اقشار مردم میهن ما هستند که اکثراً " در شرایط بسیار نا مساعد کار، همراه با خطرات فراوان کار می کنند.

خواسته های کارکنان زحمتکش شرکت مسافربری (تی بی تی) کرمانشاه خواسته های ابتدائی و به حق است که باید از طرف مقامات وزارت کار با همکاری کارفرمای مربوطه بر آورده شود تا این کارکنان زحمتکش بتوانند با خیال آسوده ارفاق و خانواده هایشان به خدمت به مردم و انقلاب ادامه دهند.

بیرادزد و قناها مان را احیاء کند و ویلای خوش گذارانی خود را به مستضعفین بدهد. بیشتر گفته هایمان با مدرک در

ولی تا آخرین لحظه مرگ می نالد از اینکه پولش را نمی داد یا علی حسینی نجفی که توسط دو مامور پاسگاه بالا پسرش ناچار به

گزارشی از

گفت که این دهقانان معتقد به انقلاب که

نامه یک خواننده

چون نفوذ عناصر حزب توده در سازمان شما بخوبی محسوس است و شما در حقیقت

چون نفوذ عناصر حزب توده در سازمان شما بخوبی محسوس است و شما در حقیقت گوشه‌ای از بار حزب خائنین را به مقصد هدایت می‌کنید.

هیچ میدانید چرا اعضای حزب توده و طرفدارانش به کاندیداهای سازمان شما در انتخابات راء می‌دادند؟ فکر می‌کنم خیلی روشن باشد چون شما همان سیاستی را در پیش دارید که حزب توده سالیان درازی است که در جهت خدمت به اربابش اعمال میکند. ارزیابی شما از اوضاع فعلی ایران نیز بسیار غلط و انحراف از اصول مارکسیسم است و همین ارزیابی غلط است که منجر به اعمال غلط میشود، بهتر است یکبار دیگر نظری به آثار لنین بیفکنید تا برایتان روشن شود که پرولتاریا برای رسیدن به خواستهای خود قبل از هر چیز احتیاج به استقلال کشورش دارد تا در پناه آن به مبارزه طبقاتی خود ادامه دهد.

در اوضاع کنونی آیا شما تضاد عمده را بین کار و سرمایه میدانید، یا بین خلق و دولت موقت و یا اینکه تضاد عمده را بین خلق و امپریالیسم؟ بهر صورت نشناختن تضاد عمده در اوضاع امروز و عدم تشخیص صحیح تضادها منجر به شکستهای جبران ناپذیری خواهد شد که عواقبش هم به ضرر طبقه کارگر خواهد بود و هم به ضرر همه خلقها و طبقات دیگر کشور.

بهر حال به سود طبقه کارگر است که به خود آئید و آگاهانه با برخوردی جدی به خط مشی خود قبل از اینکه کاملاً در گنداب رویزیونیسم غوطه ور شوید یک مبارزه شدید را بر علیه رویزیونیسم آغاز کنید. برای من روشن نیست که شما حزب توده را بخاطر چه چیزی رد می‌کنید، در حالیکه عمده خیانتش صرفنظر از خیانت به جنبش‌های مردم عامل رویزیونیسم جهانی بودن است.

شما بر علیه حزب توده موضع می‌گیرید (البته موضعی آبکی) حتی در بسیاری موارد، با آنها همکاری نیز می‌کنید - ولی بر علیه اربابش چیزی نمی‌گوئید. حال اینکه بزرگترین خیانت حزب توده نشخوار کردن مبتذلات اربابانش است - و شما نه تنها از آن هیچ نمی‌گوئید بلکه تا عیبشان نیز می‌کنید. تا عیب شوروی یعنی تا عیب حزب توده.

حال ببینید چگونه میتوانید مخالف حزبی باشید که در حقیقت هیچ اختلافی با آن ندارید؟ به امید پیروزی از طرف یکی از طرفداران رنجبر "رشت" ۱۳۵۸/۵/۲۵

گزارشی از

گشت که این دهقانان معتقد به انقلاب که فعلاً نه در مبارزات انقلابی ملت ایران شرکت داشته‌اند، خود را "سا" به گرفتن حق خود اقدام کنند.

باری در سال ۱۳۳۶ این فرد زمین از مردم نودیجه در حدود ۵ هکتار با اجاره گرفته است که برنج بکارده و این کار به کام او شیرین افتاد و شروع کرد به گسترش دادن ولی در میان مردم از پیش زمین را آباد و قسمتی را برای چراگاه گذاشته بوده‌اند. دید این نقشه‌اش نگرفته شروع کرد به توطئه و دو دستگی ایجاد کردن و از این میان شرایط برای قاضی اعظمی بوجود آورد که حصارهای دور زمین و پرچین‌ها را به آتش کشیدن و هرکسی که مقاومت می‌کرد سر گردن او اسلحه می‌گذاشتن و مردم را به زیر ضربات شلاق مجروح و از ده فراری دادن.

از طرفی با همدستان خود جهت انتخاب کدخدا نمیدانم از این سیرک‌بازیهایی معروف اربابانه توانسته است دو دستگی در ده ایجاد و طایفه بندی کنند در این میان عده‌ای هم که ریزه‌خواران سفروی خوان او بوده‌اند به این آتش دامن زدند تا اینکه در ساعت ۱ بعد از ظهر روز یکشنبه بهمین ماه ۱۳۳۸ جنگ مسلحانه خانگی شروع و در این میان ۸ نفر کشته و در حدود ۵۰ نفر زخمی و عده‌ای فراری یا زندان اختیار کردند.

در این میان زنهای بیوه و بچه‌های یتیم از بی‌آب و غذایی یا از فلاکت مردند یا در تهی دستی یا فقر و جهل و بیماری دست در گریبان بوده‌اند نقشه این فرد خوب و در خفا پیش رفت آنطور که می‌خواست دیگر مانعی در پیش نداشت اگر کسی می‌توانست این توطئه را بر ملا کند یا امروز در بین ما نیست یا یارای برملا کردن آن را نداشته است.

تراکتورهای عیسی قاضی کوهی از آهن است، عقلی ندارد چون مرز نمی‌شناسد و اگر می‌داشت حرکت نمی‌کرد زیرا در زیر هر بوته‌ای که واژگون می‌گشت یتیمی می‌یافت و سرگشته‌ای و فراری از خانه و آشیانه خود که نشسته و بحال زار خود می‌گرید. این مرد با تهدید اسلحه بعضی از پیران ما را مجبور به فروش زمین نموده‌است که آن هم در حدود ۲۵ هکتار را با فریب خرید ولی چه خریدی، آقای رئیس دادگاه و حضور محترم شما نام این معامله را هرچه می‌توانید بگذارید و اسلام درباره این نوع مالکیت چه گونه داد سخن داده‌است. به‌عنوان مثال، فردی بنام کریم مصحح پور بعد از تهدید، حاضر به فروش می‌شود

ولی تا آخرین لحظه مرگ می‌نالد از اینکه پولش را نمی‌داد یا علی حسینی نجفی که توسط دو مامور پاسگاه بالا پسرش ناچار به امضاء می‌شود و یا برای رد گم کردن زمینهای خود را با دیگری تعویض می‌کند و در سند عنوان خرید می‌گذارد.

باری آقای رئیس دادگاه و حضور محترم، من از انسان سخن می‌گویم و از دهات سخن می‌گویم می‌دانی برای اینکه هستند کسانی که زندگی‌اش از یک گاو شیرده معاش می‌شود و آن هم با چهار فرزند بی‌مادر و خود فلج، چه قناتهایی که خشک نکرد و چه دامهایی که تلف نشده است.

از بی غذایی بگذریم از آن که چه کارگران از زابلی از کاشمیری از سبزواری و محلی که از ستم این مرد فراری نشده‌اند می‌دانی چرا؟ برای اینکه با شناسنامه‌یشان از بانک کشاورزی وام گرفته و کارگران را آواره کرده که ردگم کند و حال واخواست وام بانک به نودیجه می‌آید ولی اگر کارگر خبری نیست "چرا در خفا سخن گویم" در همان زمان این فرد با رئیس بانک تنبانی می‌کند و سر دولت کلاه می‌گذارد از طرفی زمین را به فردی بنام لیوانی می‌فروشد و گولاش می‌زند. پولش را ضایع می‌کند.

این دردها مثل خوره روح مارامی خورد با زمین ما چه بازیها که کرده‌است. و اکنون دعوت خدا جامه عمل پوشید امام خمینی آمد ما زبان از کام کشیم چون بنیان بیدادگاه پهلوی را در هم کوبیدیم باری ما با افراد خانواده خود بیش از ۱۰۰ نفر هستیم و از جان خود گذشته‌ایم و از حق خود حقی که از زبان مبارک امام خمینی بیرون آمده است نمی‌گذریم.

ما فقط به یک شرط از خود قاضی (عیسی) می‌گذریم نه از زمین، آن هم این است که قصاص خون ریخته را به سازندگانش

اطلاعیه

۱- همدوش و همراه توده‌های وسیع خلق و به خاطر دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران با ضد انقلاب که اکنون در پایه دست به جنایت و توطئه می‌زند به پا خیزند. ۲- گلپه‌ی نیروهای مسلحی که در گردستان علیه استقلال کشور بوده و در رابطه با بیگانگان قرار دارند باید بیدرتنگ خلع سلاح شوند. ۳- قاطعانه به ندای امام خمینی در مبارزه با ضد انقلاب پاسخ داده و با وسیعترین نیروی ممکن برای حفظ استقلال کشور و ادامه‌ی انقلاب به پا خیزند و با هر گونه تفرقه اندازی تحت هر عنوان که باشد مخالفت نمایند. ۴- مردی شرافتمند و مبارز ایران مطمئناً "به ندای امام خمینی پاسخ داده، برای مبارزه با ضد انقلاب برای جلوگیری از هرج و مرج ناشی از توطئه و خرابکاریهای دو ابر قدرت و عمال آنها و صهیونیسم، متحداً عمل کرده و دشمن را به انفراد کامل خواهند گشاند. قدرت ما همانطور که انقلاب اخیر کشورمان نشان داد در یگانگی ماست. تنها از این طریق می‌توان ضد انقلاب را در اقیانوس بیگران خلق برای همیشه خفه کرد.

دفتر سیاسی سازمان انقلابی ۱۳۵۸/۵/۲۷

بیردازد و فاسقانمان را احیاء کند و ولای خوش‌گذرانی خود را به مستضعفین بدهد. بیشتر گفته‌هایمان با مدرک در دادگستری گران به حالت مسکوت موجود است باری آقای رئیس دادگاه خواهشمندیم دستور فرمائید جهت صحت‌گفتارمان هر چند نفر صلاح بدانید تحقیق نمایند. در خاتمه سخن کوتاه می‌کنیم زیرا در پیش مردان خدا اظهار هوشیاری کردن بی ادبی است. اهالی روستای نودیجه

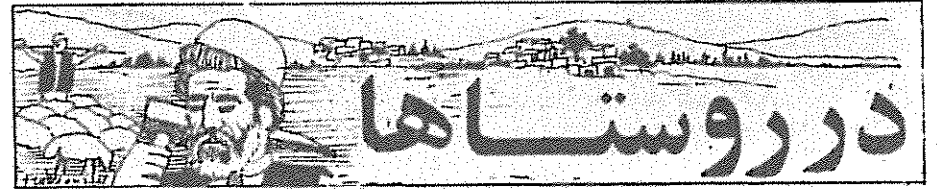
گزارشی از

یکجانب دیگر دولت است که متأسفانه تا کنون کار مؤثری انجام نداده است. خلق ترکمن تاکنون قدمی جز برای تحقق خواستهای محقانه خود برنداشته است.

امروز این منطقه یک منطقه بحرانی است. عدم رسیدگی به خواستهای این خلق و ندادن پاسخ مثبت به آنها، زمینه را برای رشد افکار انحرافی چپ‌نما برای توطئه‌های ضد انقلابی مساعد کرده است.

خلق ترکمن متحدان نشان داد که خواهان حل مسالمت آمیز مسائل خود است. بهترین نمونه آن مساله همکاری در برداشت محصول گندم بود. علیرغم وجود تبلیغات چپ‌نماها خلق ترکمن در برداشت محصول گندم با خواست دولت همکاری کرده و فقط به برداشتن ۲۰ درصد سهم خود بعنوان سهم زمین اکتفا نموده است تا مساله زمین بعداً حل شود.

یک ماه دیگر موقع برداشت محصول پنبه است که اگر سیاست روشنی در جهت تأمین منافع روستائیان موجود نباشد، همین امر میتواند منشاء درگیریهای نادرست بشود. خواستهای خلق ترکمن و در مرکز آنها خواست تقسیم عادلانه زمین کاملاً محقانه است و امیدواریم دولت با مسامحه کردن اشتباه خود در مناطق دیگر را در این منطقه تکرار نکند.



در روستاها به روستای «صف سر» (رشت) برق بدهید

اخیراً نامهای از طرف اهالی روستای "صف سر" (شهرستان رشت) به دفتر "رنجبر" رسید. متن نامه را در زیر می خوانید.

دفتر رنجبر ارگان مرکزی سازمان انقلابی

محترماً به استحضار می رسانند، اینجانبان اهالی قریه صف سر بخش شهرستان رشت کیلومتر اول جاده فومنات بالغ بر سه سال است که بی در پی برای برق و روشنایی این روستا از ادارات و سازمانهای مربوطه تقاضا می نمائیم و هر وقت ما به این ادارات و سازمانها مراجعه می کنیم جز سرگردانی و وعده های امروز و فردا چیز دیگری عایدمان نمی شود.

در سال ۵۷ طبق این شماره ۵۵۵۲/۳۰ که هزینه این محل را دو بیست هزار تومان که عبارت از دو میلیون ریال می باشد تعیین نمودند که این مبلغ و این مقدار برای اهالی این روستا بسیار گزاف و زیاد بود که هر خانه موظف به پرداخت ۲ هزار تومان می شد که از بودجه و توانایی مالی اهالی این روستا خارج بود لذا ما نتوانستیم روشنایی را به این قریه بیاوریم.

آنگاه از دکتر ستاری وکیل مجلس منحلّه شورای ملی در خواست کمک نمودیم و او نیز با وعده های امروز و فردایش نتوانست کاری برای ما انجام دهد حتی چند نفر از اهالی این روستا را نیز به عنوان نماینده مردم این روستا به تهران و مجلس منحلّه شورای ملی دعوت نمود و آن وقت آغاز شورش انقلاب بود که باز هم کار برق رسانی به این روستا تا تمام ماند.

تا اینکه در سال جاری از مورخ ۵۸/۲/۳ به بعد ما اهالی دوباره جهت روشنایی و برق دار نمودن این روستا اقدام نمودیم که از طریق ستاد کمیته مرکزی نامهای به استانداری و از آنجا به فرمانداری و از آنجا نیز به مدیرکل برق منطقه ای گیلان بردیم که نتیجه سرانجام به اداره برق رشت منتهی گشت و باز هم همان آش و همان کاسه و امروز و فرداها شروع شد.

تا اینکه نامهای دیگر جهت داد رسی بحجاب مدیرکل برق منطقه ای گیلان فرستادیم.

از زحمتکشان روستای چاهک (فارس) حمایت کنیم

ما را محاکمه می کنید و ضد انقلابی هستیم. پس کجا رفت آن همه قول و به اصطلاح حق مستضعفین " یکی از آنها در دادگاه گفته تا آخرین قطره خونم از حق خودم و دیگران دفاع خواهیم کرد.

امروز علیرغم تمام فشارهای دولت توسط زاندارمری و جنگلبانی دهقانان به کار خود یعنی حفر چاه، اقدام به تقسیم مساوی زمین بین خود مشغولند و خطرات جدی در باز پس گرفتن زمینها توسط دولت آنها را تهدید می کنند.

ما استناد دولت به قانون ضد خلقی ۱۳۳۹ برای محکومیت دهقانان و باز پس گرفتن زمینهایی که آنها به دستور امام آباد کرده اند را کاری پس نا درست دانسته و از دولت موقت آقای بازرگان مصرانه می خواهیم برای تقویت اقتصاد ملی و کشاورزی خودکفا، برای تقویت پایه های مردمی انقلاب و دولت ملی، هر چه سریعتر احکام محکومیت نا عادلانه این دهقانان را ملغی کرده و در عوض به دهقانان زحمتکش برای رشد تولید و رفاه آنان کمک نماید.

بازره زحمتکشان برای استفاده از دسترنج خود امری عادلانه است که مطمئناً با با فشاری آنها بروی حقوقشان به پیروزی نهایی خواهد رسید.

دفاع مسلحانه نمودند. مالکی بنام زارع با توسل به زور و تفنگ سعی در گرفتن زمینهایی کرد که دهقانان آنها را متصرف شده بودند.

اگر چه در اثر مقاومت بی نظیر مردم در تصرف زمین وزیر کشت بردن آن و بیرون راندن این مالک، دهقانان به پیروزی بزرگی رسیدند ولی متأسفانه دولت فاسدی رای محکومیت دهقانان را صادر کرد و طبق همان قانون ضد خلقی ۱۳۳۹ دهقانان را "متجاوز" خواند و برای آنها قرارهای دادگاهی زیادی بست. مثلاً برای بعضی از آنها بیش از ۱۰ هزار تومان قرار بسته شده است ولی دهقانان مقاومت کرده و زمینها را بین خود تقسیم کرده و شروع به زدن چاه کردند - تقریباً تمام دهقانان به سهم مساوی در هر تلمبه شریک شده اند - (هر ۳۰ نفر روی ۱۵۰ هکتار زمین یک تلمبه نصب کرده اند).

به علت یر خورد غلط دولت به دهقانان و استفاده از قانون محمدرضا شاهی در سال ۱۳۳۹ بر علیه آنها دهقانان از دولت نا راضی هستند.

یکی از آنها در دادگاه گفته است: "چگونه اون روزی که زمینها را علی رغم تمام خطرات ناشی از آن به دستور امام خمینی زیر کشت بردیم انقلابی بودیم ولی امروز با همان قانون ۱۳۳۹ محمد رضاشاهی

دهقانان زحمتکش روستای چاهک فارس در معرض خطر جدی باز پس گرفتن زمینهایشان توسط جنگل بانی و زاندارمری هستند.

روستای چاهک که در شرق فارس واقع شده بیش از ۴۰۰ نفر سکنه داشته و یکی از عقب افتاده ترین روستای منطقه است و هیچگونه نشانه های آب و برق و بهداشت در آن به چشم نمی خورد. در اثر خشک شدن قنات های محل فقر آنها شدید شده و بی آبی پدید می آید. بیش از صد باغ کوچک و بزرگ آنها خشک شده است. از این جهت هر روز به فقر آنها افزوده شده و چه در رژیم سابق و چه حال به هیچ وجه به خواستهای آنها رسیدگی نشده. تضاد بین روستائیان و مالکین مرتجع و زورگو هر روز شدیدتر شده گزارش زیر شرحی است درباره مبارزات چندماه گذشته: "از ۶ ماه پیش قبل از ورود امام خمینی به ایران دهقانان بی زمین و کم زمین شروع به گرفتن زمینهای موات به دستور امام (مبنی بر به زیرکشت گرفتن آنها) کردند.

زمینهای موات زمینهایی است که دولت ضد خلقی شاه در سال ۱۳۳۹ آنها را "ملی" یا دولتی اعلام کرد و هر گونه تجاوز به آنها "جرم" محسوب می گردید.

دهقانان قهرمانانه علیرغم اخطارهای مکرر زاندارمری و جنگلبانی شروع به تصرف زمینها کردند. و حتی زاندارمری را تهدید به

نگاهی به روستای

سه کیله (مازندران)

نیک گذارند که درس بخوانند چون چنین پولی راندارند، چه پدران آنها با روزی ۱۲ تومان کار میکنند.

دولت موقت میتواند یک مدرسه راهنمایی تا سال سوم ایجاد کند تا دانش آموزان از چند آبادی اطراف برای درس خواندن به سه کیله بیایند و میتوانند با ایجاد یک راه برای این روستا (که خود آنها هم مقداری پول جمع کرده اند) درست کنند و با

مشکل نبودن خدمات اولیه رفاهی، آموزشی و بهداشتی در اکثر روستاهای ایران، در کنار مشکلات ارضی و تولیدی و توزیعی، یکی از چهار مشکل بزرگ دهقانان ایران است.

وضع روستای سه کیله (مازندران) گویای رشته های از مشکلات رفاهی، آموزشی، بهداشتی است. روستای سه کیله در وسط جنگل های سر سبز مازندران و در ۱۶ کیلومتری نکا واقع شده است در این ده ۱۰۰ خانوار زندگی میکنند. کشاورزی در این ده رونقی ندارد، چه مردم این ده بیشتر در کارخانه چوب نکا و کارخانه سیمان نکا کار میکنند.

مردم این روستا آب آشامیدنی نداشته اند و با اتکاء به نیروی خود جمع شدند و لوله کشی کردند و اکنون آب آشامیدنی دارند و حمام عمومی این ده هنوز خزینهای است و مردم این ده چند بار در زمان رژیم طاغوت به استانداری و فرمانداری اطلاع دادند ولی

استاندار و فرماندار هیچ اقدامی نداشتند و با اتکاء به نیروی خود جمع شدند و لوله کشی کردند و اکنون آب آشامیدنی دارند و حمام عمومی این ده هنوز خزینهای است و مردم این ده چند بار در زمان رژیم طاغوت به استانداری و فرمانداری اطلاع دادند ولی

استاندار و فرماندار هیچ اقدامی نداشتند و با اتکاء به نیروی خود جمع شدند و لوله کشی کردند و اکنون آب آشامیدنی دارند و حمام عمومی این ده هنوز خزینهای است و مردم این ده چند بار در زمان رژیم طاغوت به استانداری و فرمانداری اطلاع دادند ولی

نگاهی به

چند روستای فارس

روستاهای سفیان، تل زری روستاهای فارس چیکان، مرزیان، دره همبانه، مارگان، چوب خله در ۱۲ کیلومتری شیراز قرار دارند.

وجود دارد که آنها مدت است از محل رفته بنابراین مردم مجبورند مریضهای خود را به اردگان یا به شیراز ببرند که آنها در بیشتر موارد

و امروز و فرداها شروع شد. تا اینکه نامهای دیگر جهت داد رسی بجناب مدیرکل برق منطقه‌ای گیلان فرستادیم. که آقا مدیر کل صریحا " دستور دادند وسیله مهندس شعبانی که کار این روستا هر چه زودتر رسیدگی گردد و وقتی که مادوباره به برق رشت مراجعه نمودیم بر خلاف وعده‌هایی که به ما داده شده بود صریحا " جواب رد شنیدیم و منتظر ابلاغ سیاست کلی دولت در زمینه برق رسانی به روستا ها ماندیم.

تا اینکه اسم نوزده روستا که طرحش از وزارت نیرو به برق منطقه‌ای و از آنجا جهت برق رسانی این روستاها به برق رشت ابلاغ گردید. و هنگامی که ما وضع جغرافیایی این روستاها را دیدیم به این سازمان و ادارات مربوطه اعتراض نمودیم. گفتند چون این روستاها الویت خاصی بر دیگر روستاها دارند در سال جاری جز این روستاها روستای دیگری برق دار نمی‌شود.

چون روستای ما از چهار طرف محصور در شهر و نزدیک شهر رشت می‌باشد و اعتراض ما نیز تا کنون وارد نبود قرار بر این شده که

جهت سازندگی روستاها اقدام می‌نمایند و چاره کار ما در این باره چیست و اگر ما دوباره ناچار به متحصن شدن شویم، لاقلا نگویند ما ضد انقلاب می‌باشیم."

ما همانطور که بارها متذکر شده ایم معتقدیم که پس از سرنگونی رژیم منغور و ضد خلقی شاه، ادارات دولتی باید مورد نو سازی عمیق در جهت خدمت به مردم قرار گیرند، چه تنها علت وجودی این ادارات خدمت به مردم است و نه اینکه باری بردوش آنها بوده و سد راه پیشرفت و رفاه خلق گردند.

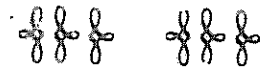
خواست اهالی قریه " صف سر " رشت خواستی به حق است و ما مورین دستگامهای دولتی استان گیلان باید صریحا " و مجدانه بدان پاسخ گویند. رفاه روستاها و زحمتکش روستائی به معنای تقویت پایه‌های انقلاب، تقویت تولید کشاورزی و استقلال اقتصادی و سیاسی کشور است و پس از پیروزی انقلاب هیچ چیزی نمی‌تواند عدم توجه به خواست زحمتکش روستائی را توجیه کند.

مشکلات و خواستهای دهقانان سنگدوین (گرگان)

فروشنده که اربابها از این طریق هم دهقانان را استثمار می‌کنند.

روستای سنگدوین آب لوله کشی ندارد و از جویی که از فئات سرچشمه می‌گیرد و همه گونه لباس و ظرف در آن شسته می‌شود، آب آشامیدن و زندگی شان را تاءمین می‌کنند. از درمانگاه و دکتر که اصلا " خبری نیست و تنها حمام روستا هم غیر بهداشتی است. مشکل عمده این روستائیان زحمتکش بدانستن زمین است که باعث می‌شود تا آنان هر چه بیشتر کار می‌کنند بیشتر نیازمند می‌شوند.

چندی پیش اهالی روستای سنگدوین نامه‌ای برای امام خمینی فرستادند و ایشان را در جریان خواست ها و مشکلات خود گداشتند. مشکلات این روستائیان زحمتکش نمونه‌ای از مشکلات تمام روستائیان ما است. ما از خواست آنان پشتیبانی کرده‌ایم و از دولت موقت می‌خواهیم تا هرچه سریعتر به خواست این زحمتکش روستائی رسیدگی کند.



برسد و ...

عمومی این ده هنوز خزینهای است و مردم این ده چند بار در زمان رژیم طاغوت به استانداری و فرمانداری اطلاع دادند ولی رژیم و نوکران آن جز ستم کاری برای آنها نکردند. آنها غنی که یک مقدار پول داشتند برای خود حمام شخصی ساختند.

این ده دارای یک مدرسه است که تا سال پنجم دیستان درس میدهند و دانش آموزان این مدرسه از چند آبادی نزدیک در سه کیله جمع میشوند و درس میخوانند و دختران این روستا و چند آبادی اطراف هم همین سرنوشت را دارند، آنها تا کلاس پنجم درس میخوانند و بعد چون دیگر کلاس بالاتری ندارند مجبورند دیگر درس نخوانند و پدرها و مادران آنها نمیتوانند آنها را به ننگا بفرستند چون در زمستان ماشین بده نمی‌رود و روزی ۴ تومان خرج کرایه آنهاست و آنها در شهر باید نهار بخورند و صبح زود بدون صبحانه به ننگا بیایند از این رو آنها را دیگر

گزارشی از روستای نودیجه (گرگان)

در روز چهارشنبه ۱۷ مرداد ماه کلیه روستائیان ده نودیجه (گرگان) به شهر آمده و در جلوی دادگستری علیه مالک غاصب این روستا تجمع کردند.

برای فهمیدن علت اعتراض دهقانان ما به وضع و تاریخچه ده نودیجه را بررسی کرد.

در روز چهارشنبه ۱۷ مرداد ماه کلیه روستائیان ده نودیجه (گرگان) به شهر آمده و در جلوی دادگستری علیه مالک غاصب این روستا تجمع کردند.

برای فهمیدن علت اعتراض دهقانان ما به وضع و تاریخچه ده نودیجه را بررسی کرد.

در سال ۱۳۳۶ او ۵ هکتار زمین را برای برنج کاری از اهالی نودیجه اجاره می‌کند. او سپس برای گسترش زمینهای خود دست به توطئه چینی می‌زند. با یک توطئه طرح ریزی شده در میان مردم ده دودستگی ایجاد کرده و طایفه بندی می‌کند و بالاخره در ساعت ۱ بعد از ظهر روز یکشنبه بهمن ماه ۱۳۳۸ جنگ مسلحانه خانگی درده شروع و در این میان ۸ نفر کشته و ۵۰ نفر زخمی می‌گردند و عده‌ای فراری و پنهان می‌افتند. عیسی قاضی از این موقعیت استفاده کرده و ۸۰ هکتار زمینی را که مردم برای چرا گاه

روستاها ی اسفیان، تل زری روستاهای فارس چیکان، مرزبان، دره همبانه، مارگان، جوب خله دره ۱۲ کیلومتری شیراز قرار دارند. فاصله این دهات از یکدیگر ۵ تا ۱۰ کیلومتر بوده و جمعیت این روستاها در حدود ۳۰۰۰ نفر است.

در جریان اصلاحات ارضی، بین عده‌ای از دهقانان زمینها تقسیم شد ولی دهقانان با نداشتن سرمایه و بعلت استفاده از ابزار سنتی بسختی میتوانند امرار معاش کنند. دهقانان از مشکلات خود چنین میگویند:

راه شوسه که این دهات را براه اصلی وصل میکند بسیار خراب است و دهقانان نمیتوانند محصولات خود را به مراکز تجاری نزدیک برسانند. بنابراین مجبورند محصولات را بقیمت ارزانتر در همان روستاهای خود بفروش برسانند.

دهقانان از وضع بهداشتی خود شکایت دارند. در تمام این دهات فقط یک بهیاز

قبلا آماده کرده بودند شحم می‌زند و آن را به تصرف خود در می‌آورد و قدم به قدم بر مقدار زمینهای خود اضافه می‌کند.

حال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی دهقانان خواستار پس گرفتن تمام زمینهای خود و محاکمه عیسی قاضی و مجازات او میباشند. در اوائل انقلاب اهالی ده شکایتی به دادگاه و پاسگاه زاندارمیری ارسال داشتند ولی این شکایت به جایی نرسید.

در اواخر تیر شکایت دیگری نمودند ولی باز این شکایت هم در میان پرورنده ها گم شد و به داد دهقانان نرسیدند. هفته‌ای تا اینکه دهقانان کاسه صبرشان لبریز شده و خود مستقیما " وارد عمل گردیدند. هفته‌ای پیش آنها تمام اموال و زمینهای عیسی قاضی را به تصرف در آوردند و از آن پاسداری می‌کنند تا مبادا مالک توطئه بچیند و آنها را اخلاکگر یا اغتشاش کننده معرفی کند.

عیسی قاضی با دیدن این اوضاع بیگوار ننشسته و بر علیه اعضای شورای ده به عنوان اخلاکگر و کسانی که قصد " تخریب " و " آتش سوزی " دارند شکایت نمود و این بار بر خلاف دفعات دیگر بلا فاصله بعد از دو روز برای بررسی شکایت از طرف زاندارمیری به ده آمدند و قصد باز داشت اعضای شورا را

وجود دارد که آنها هم مدتیست از محل رفته بنابراین مردم مجبورند مریضهای خود را به اردگان یا به شیراز ببرند که آنها هم در بیشتر موارد بخاطر تنگ دستی برایشان امکان پذیر نیست.

وضع آموزش نیز خوب نیست در همین سال های اخیر بود که چند مدرسه در این دهات درست شده و بخصوص بیسوادی در بین زنان بسیار است. این دهات فاقد برق و آب آشامیدنی بهداشتی هستند.

دهقانان با این نتیجه رسیدند که عامل اصلی فقر و تنگدستی آنان رژیم مزدور شاه بوده است آنها تصمیم دارند بزودی جلسات وسیعی تشکیل دهند و نمایندگانی از بین خود انتخاب کنند، تا این نمایندگان بتوانند برای بهبود وضع روستاها اقدام نمایند. همه دهقانان متحدان از انقلاب کشورمان برهبری امام خمینی پشتیبانی میکنند و مصممند هرگونه توطئه عمال رژیم سابق را سرکوب نمایند.

داشتند که مردم مقاومت کرده و زاندارمها از ده خارج می‌شوند قردای آن روز (چهارشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۵۸) کلیه اهالی ده نودیجه برای شکایت علیه عیسی قاضی و ادعای شرف و برای دفاع از اعضا ... در ده به محل دادگستری آمدند. عواستار رسیدگی به اوضاع ده شدند. که دادستان در جواب می‌گوید ما فعلا هیچ کاری نمی‌توانیم انجام بدهیم. باید هیات پنج نفری از تهران بیاید و بررسی کند. فعلا هرکاری که خودتان می‌توانید انجام دهید. فعلا اهالی ده تمام زمینها و اموال عیسی قاضی را در تصرف خود دارند و مالک هنوز جرات ورود به ده را ندارد.

در دو پلاکات که به ستونهای دادگستری گرگان چسبانده شده بود اهالی ده خواسته‌های خود را چنین اعلام کرده‌اند: " ما خواستار حقوق چندین ساله از دست رفته خود از عیسی قاضی هستیم " " ما خواستار شدیدترین مجازات زمین خوار معروف عیسی قاضی هستیم " " قسمتی از شکایت نامه‌ی دهقانان نودیجه به قرار زیر است :

پس از پیروزی انقلاب مالک غاصب پشتیبانان خود را از دست داد و ما مابعد دعوت امام به آرامش و نظم، دهقانان همچنان به مدت شش ماه انتظار کشیدند تا دولت و کمیته امام به حقوق پایمال شده آنان رسیدگی کند. اما پس از گذشت این مدت، بی توجهی مقامات مسئول باعث بقیه در صفحه ۴

رنجبر و خوانندگان



دوستی که نامه‌شان را (الف - ف) امضا کرده‌اند از شیراز می‌نویسند :

" با درود فراوان به شما مبارزان راه آزادی هدم را از مکاتبه با آن نشریه مطرح می‌کنم . در وهله اول خواستم پیشنهادی کرده باشم . پیشنهادم این است که بخشی از نشریه خود را به " نامه‌ها و پاسخ‌نامه‌ها " اختصاص دهید . تا هواداران سازمان انقلابی و آنهایی که می‌خواهند به جمع هوا داران بپیوندند ، بتوانند سئوالهایی که برایشان بوجود آمده است مطرح کرده و پاسخی روشن و قانع کننده از طرف شما دریافت دارند . تا که شاید ابهامات موجود رفع گردد .

برای این بخش از نشریه ارگان سازمان انقلابی سئوالی می‌فرستم که آرزومندم به روشنی به آن پاسخ داده شود . قابل توجه است که پاسخ شما روشنگر درجه اهمیت دادن شما به سئوالها و نظرات قشر زحمتکش ایران می باشد .

چون مدتی است به سازندگی مشغولم ، دوست دارم راه آزادی طبقه تولید کننده را از دید گروه های مختلف مارکسیست - لنینیستی بشناسم .

ایشان سپس در مورد موضع سازمان انقلابی در مورد مسئله راه قهر آمیز و تفاوت آن با راه مبارزه مسلحانه چریکهای فدائی سئوال سازمان ما متجاوز از ۷ سال پیش در نشریه " توده " (ارگان سازمان) شماره ۲۲ موضع خود را در این زمینه منتشر ساخت . اگر شما آدرس برگشتی در اختیار ما بگذارید این نشریه را برایتان ارسال خواهیم کرد . در آینده نزدیکی در " رنجبر " و سایر نشریات سازمان ، نظرات خود را در مورد خط مشی سازمان چریکهای فدائی خلق مفصلاً توضیح خواهیم داد .

برایتان در زندگی ، سازندگی ، مطالعه و مبارزه آرزوی موفقیت داریم .

دو نفر از طرفداران سازمان گزارش تجربه‌ی یکروز فروش " رنجبر " در مهاباد را برایمان فرستاده‌اند که می‌خوانید :

ساعت ۲/۵ بعد از ظهر دورفوق جهت فروش نشریه و کتاب عازم مهاباد شدیم دو عدد رنجبر جهت مطالعه در درون ماشین همراه خود برداشتیم . سرگرم گفتگو بودیم که از چند صدلی عقبتر یک نفر کرد بما گفت که آقا اینها رنجبر هستند اگر هست یکی را بمن بدهید در صورتیکه ما رنجبرها را لوله کرده و در دست داشتیم و اسم رنجبر دیده نمیشد از قرار معلوم طرف رنجبر را از قبل میشناخته ما یکی را به او دادیم ، بعد از چند لحظه یک تومن پول رنجبر را با شکر بامداد . دومین رنجبر را هم من شروع بخواندن نمودم بعد از چند لحظه یکی از دو نفر کرد صدلی

رنجبر

گزارشی از سفر ...

واسه به رزم و دربار ، بخصوص نظامیان عصب سد و باسکال محفل همان مقدار کم زمین را هم از دست دهقانان در آوردند . بعلت محدود شدن مزارع دامها هم بتدریج از بین رفتند .

رصداران و مالکان عمدتاً غیرترکمن هستند .

در این منطقه در بین شهرسین هاعم مساعل نسبتاً مهم اداری در اسحال فارسها است . اهالی میگویند که حتی یک بخندار هم بدرت از ترکمن ها بوده است . این نمونه‌ای دیگر از ستم ملی بر این خلق است . اکنون بعد از انقلاب خلق ترکمن خواهان حقوق بایمال شده زمینهای عصب شده‌ی خود است . تنوع برخوردارها به اوضاع ، دولت و آینده انقلاب زیاد است . از افرادی که به آینده خوشبین هستند و امیدوارند که دولت و رهبری انقلاب به وعده‌های خود در مورد حقوق آنها و بخصوص دادن زمین به دهقانان عمل کند ، نا افرادی که نظر مساعدی نسبت به دولت ندارند ولی بهر حال معتقدند اگر دولت مساله آنان را حل کند نظرشان برمیگردد و گرنه منتظر حوادث بدی هستند .

و بالاخره بعضی روشنگران با اصطلاح جب و افراد تحت تاثیر آنها که ماهیت دولت را اصولاً " صد خلقی " ارزیابی میکنند و امید به هیچ اقدامی مثبتی از جانب دولت ندارند . همه اینها حتی در یک سفر کوتاه مدت و برخورد سطحی نیز بچشم می‌آید . تحت تاثیر اوضاع و حوادث تحلیلهای درست و نادرست باهم درگوشه و کنار مشاهده میشود . درزمینه آشفته‌ای که سیاستهای ظالمانه رژیم شاه ایجاد کرده بود ، امروز مواردی از اعمال نادرست بعضی از افراد غیر مسئول در ارگانهای دولتی ، کمیته‌ها ، و همچنین اخلال بعضی از چپ‌نماها در دادن زمین به صفتبندی نادرست " ترکمن در مقابل فارس " دیده میشود .

بهر حال با تمام اینها خلق ترکمن در یک چیز متحد است و آن در مورد بدست آوردن حقوق طبیعی خود بعنوان یک خلق ایرانی است .

پای صحبت یک ترکمن

پای صحبت یک ترکمن که دبیر دبیرستان است و به مسائل خلق ترکمن علاقمند بوده است می‌نشینیم . او به همان مساله غصب زمینها اشاره کرده و میگویند که در گذشته چطور مالکیت زمین چندان مطرح نبود . برای هر کشاورزی در دور برش زمین کافی بود که کشت بکند . یادش می‌آید که مثلاً " خربزه و هندوانه اصلاً " فروشی نبود . در مورد وضع دام میگویند که قبل از سال ۱۳۳۵ ترکمن صحرا سالی ۳۰ هزار گوسفند صادر میکرد . حالا به ۱۰ هزار هم نمیرسد . در عوض شاهها ، ها ، هب ، بداند ، و امثال اینها صاحب

برمیگردد .

راجع به فرهنگ خلق ترکمن میگویند که طبیعی است این خلق به فرهنگ خود بسیار علاقمند است . او اشاره میکند که مثلاً " اگر رادیو ایران یا رادیو گرگان برنامه ترکمنی نداشته باشد و خود خلق ترکمن هم برنامه رادیو تلویزیونی خود را نداشته باشد ، خیلی راحت بطرف رادیو عشق آباد (ترکمنستان شوروی) حلب میشوند و آنرا گوش میدهند . کما اینکه این امر رواج دارد . چون از جمله مثلاً " ترانه ترکمنی میگذارند . در ضمن اخبار هم میگویند . اخبار ترکمنستان شوروی و غیره . نظرش را درباره دولت شوروی میپرسم . میگوید شوروی هم یک دولت معامله‌گر است . قبلاً " با شاه معامله کرده و حالا هم میخواهد با حکومت فعلی معامله کند . بنظر او در ترکمن صحرا افراد مس ضرورس هستند . این موضوع به گذشته دور برمیگردد .

درباره شوراها و ستاد مرکزی شوراها و کانون فرهنگی سیاسی ، او میگوید که خلق ترکمن پشتیبان آنهاست . اینها اساساً " توسط خلق ترکمن تشکیل شده است . بنظر او مساله مرکزی جنبش ملی در ترکمن صحرا مساله زمین است . و خلق ترکمن برای خواستهایش متحد و مصمم است و تا پای جان میروند .

دهات ترکمن صحرا

پای صحبت روستائیان می‌نشینیم و از مسائل و مشکلات آنها می‌شنویم . یک جوان روستایی اصل صحنه (آق قلا) از بی زمین بودن نصف خانوارهای این ده صحبت میکند . حکایت بی زمین شدن همان برنامه‌های غصب زمین و با اصطلاح اصلاحات ارضی است . میگویند که مالکین اطراف ده تا هزار هکتار هم زمین دارند . بیشتر آنها ارتشی هستند . اشرف خواهر شاه هم زمین زیادی داشت .

خواست اهالی این ده بنظر او تقسیم زمین است . میگویند ترکمنها مخالف دولت نیستند تبلیغات بدی بر علیه آنها شده . این آخوند نقشبندی هم کارها را خراب کرده . هر کس که حق خودش را بخواهد کمونیست معرفی میکند و تبلیغات ضد کمونیستی راه انداخته است . بنظر او مردم از کمونیسم ، روسپارادرنظر می‌آورند و مخالف آن هستند .

علیرغم آنکه کانون فرهنگی و سیاسی در آق قلا گفته بود هر گاری دارید به ستاد بروید و در دهات باشما برخورد خوب نمیکنند ولی اینطور نبود و ما برخورد با روستائیان را بسیار خوب دیدیم .

در روستای قربان آباد بین راه آق قلا و گرگان با شورای ده صحبت میکنیم . همان حکایت غصب زمینها و از بین رفتن مزارع و دامها را بازگو میکند . تعریف میکند که چگونه بخاطر زمین زدو خورد شده و تا مدت‌ها ساواک آنها را اذیت میکرد . حتی تعدادی از اهالی که زمین خوبی هم داشتند مجبور شدند فرار کنند . الان در این ده از ۱۰۰ خانوار جمعیت

شوراها متشکل هستند ، بخاطر رعایت این تشکیلات خلق ترکمن و همچنین به امید راهنمایی و کمک سعی کردیم تا از طریق مراجعه به آنها مسائل مان را به پیش ببریم . در آق قلا همانطور که گفته شد قبل از مراجعه به روستاها ، به کانون فرهنگی و سیاسی مراجعه کردیم . گفتند که فقط ستاد مرکزی باید اجازه بدهد و نمیتوانند هیچ کمکی در این مورد بکنند . حتی توصیه کردند که به روستاها نرویم چون شوراها هم جواب سئوالها ما را نمیدهند . کسی که آنجا این نظر را میداد ترکمن نبود . بهر حال آنچه که در بالا آمد نشان میدهد که مراجعه ما به مردم صحیح بود . آنها براحتی با ما صحبت میکردند و علاقمند بودند که مسائلشان را با ما در میان بگذارند .

در کلبه ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا مراجعه کردیم . نسبتاً " شلوغ بود و مراجعان زیادی از اهالی ترکمن داشت . مردم ترکمن این تشکیلات خود را قبول دارند و کارهایشان را بیشتر از این طریق میخواهند به پیش ببرند . گفتیم که خبرنگار رنجبر هستم و از آنها کمک خواستم . بعد از اینکه دو سه نفر با هم در اطاقی صحبت کردند یکی آمد و پرسید چکار داری و چه سئوالاتی داری . توضیح دادم که چه چیزهایی میخواهم . رفت و یکی دیگر آمد و گفت که مسئولی که باید جواب بدهد نیست . پرسیدم که چه وقت هست . جواب صریح ندادند . گفتیم که میخواهم به دهات بروم . بهر حال چند بار این رفتن به اطاق و آمدن تکرار شد . یکی آمد و گفت چون اوضاع اینجا بحرانی است بهتر است به اینطور نیست . بهر حال ما جرأت دست بسر کردن بود و معلوم شد که یک جریان انحصار طلب سیاسی در مقابل نیروهای سیاسی دیگر دارد اینکار را میکند . حاضر هم نبودند درک و صریح بگویند که بکامک نخواهند کرد .

بهر حال تصمیم گرفتیم مثل آق قلا خودمان مستقیماً " به روستاها مراجعه کنیم . نمونه زیر مراجعه به یک روستا را نقل میکنیم که از نظر مقایسه خط صحیح توده‌ها در برخورد به نیروهای سیاسی با خط نادرست انحصار طلبی چپ‌نماها جالب است .

روستای قراقچی بین گنبد و علی آباد رفتیم . با کدخدای ده و عده‌ای به صحبت نشستیم و در ضمن گفتیم که میخواهیم با شورای ده هم صحبت کنیم . کدخدا خیلی سمان نوازی کرد و با حوصله به سئوالها ما جواب میداد و مسائل و مشکلاتشان را شرح میداد . او را از خواب بعد از ظهر بیدار کرده بودیم خودش روزه بود . برای ما نان و مربا آورد و جای درست کرد (البته این بذیرائی در سایر جاها هم که رفته بودیم انجام شد) .

کدخدا از غصب زمینها ، دهقانان بی زمین ، زمینداران بزرگ اطراف غیره صحبت میکرد . میگفت که خواست اهالی ده تقسیم زمین است . احتیاجات برنامه‌های عمرانی ده مانند آب و حمام و غیره را میگفت . او تعریف میکرد که در موقع انتخاب شورا اهالی

یک تومن پول رنجبر را با تشکر بماند داد. دومین رنجبر را هم من شروع بخواندن نمودم بعد از چند لحظه یکی از دو نفر کرد صندلی عقبی ما خواهش کرد که بگذرد هم به او بدهم از آنجائیکه من مقاله‌ای را نصفه خوانده بودم بعد از مطالعه این یکی را هم به او دادیم و پولش را گرفتیم. اگر چند عدد دیگر هم همراه داشتیم فروش میرفت. بمحض رسیدن به مهاباد بساطمان را پهن کردیم من تعدادی رنجبر برداشته آنور خیابان رفتم مدتی بعد ۳ نفر نزد من آمدند یکی از آنها پرسید که آقا این همان روزنامه‌ای است که به چریکها حمله کرده گفتیم آری، بعد پرسید مگر ایدئولوژی شما چیست اگر مارکسیست - لنینیست است پس با چریکها چه فرقی دارید. ما اختلافات بین سازمان و چریکها را بیان کردیم هم‌اشاره را کاملاً تصدیق میکردند به ویژه از برخورد چریکها بشوروی بعنوان یک کشور سوسیالیستی خیلی متعصب و متأثر بودند. بعد یکی از آنها گفت که رفیق، من از گذشته سازمان انقلابی چندان اطلاعی ندارم ولی از تعداد رنجبر که بدستم رسیده کاملاً معلوم میکند که سازمان انقلابی تنها سازمان مارکسیستی است که دارای خط مشی سیاسی کاملاً درستی است. ادامه داد که حرکت حزب توده و چریکها را کاملاً از مارکسیستها بدور کرده بود ولی سازمان انقلابی مرا امیدوار نمود بعد در مورد سیاستهای سازمان در مورد اوضاع کنونی و دولت جویا شد و کاملاً از ته قلب تمام سیاستهای سازمان را تأیید میکرد طوری که بعد از نیم ساعت بحث اسم و شهرت، محل کار و شماره تلفن را نوشت و از من خواهش کرد که همیشه به او سر بزیم و هر کاری به او محول کنم از جان و دل انجام خواهد داد. بعد از آنهم چندین دفعه همدیگر را دیدیم و چند لحظه دیگری باهم صحبت کردیم.

مدتی بعد از آن چند نفر مقاله "مسلمان نمائی دار و دسته کیانوری" اعتراض کردند و از این جا بحث شروع شد و به سوسیال امپریالیسم شوروی و دولت اوضاع کنونی رسید بحدی آدم جمع شده بود که دیگر رفت آمد ملت کاملاً مختل شده بود این بحث در حدود نیم ساعت بطول انجامید بعد از این بحث در حدود ۲۰ رنجبر بفروش رفت. چند لحظه بعد از این بحث یکنفر که از قیافه اش میتوان حدس زد بازاری است با حالت عصبانی و برافروخته بزبان کردی به دو نفر بغل دستی من که بر روی سکوی مفاز نشسته بودند چیزهایی میگفت فقط من اینرا نفهمیدم که می گفت اینها به حزب دمکرات کردستان

عدد رنجبر همراه داشتم که همگی فروش رفت و به کسانیکه نرسیده بود خواهش کردند که به آنها هم بدهم بالاخره آنروز ما مجموعاً ۱۸۰ رنجبر فروختیم.

این ماجرا نشان میدهد که در مهاباد روحیه دمکراتیک قابل تحسینی حکمفرماست. در این مسافرت اگر چه مقاله تحلیلی از حادثه میوان و بر خوردی که حزب دمکرات کردستان در این مقاله شده بود باعث ناراحتی بخشی از طرفداران این حزب و بخشی از توده ها شد ولی عمدتاً توانستیم سازمان را بیشتر از دفعات قبل به توده‌های بیشتر بشناسانیم بویژه که تاریخچه و خط مشی و سیاست سازمان را در اوضاع کنونی بیشتر بدورن توده‌ها ببریم. دارودسته حزب توده و حزب دمکرات و چپ قلبی تلاش میکردند که از این موقعیت استفاده کرده و توده‌ها را بر علیه ما بشورانند. در این مسافرت توانستیم طرفداران زیادی لاقفل در حد نشریات و رنجبر پیدا کنیم.

*** روزنامه محترم رنجبر**

چند روز پیش شماره ۱۸ سال اول آن روزنامه بدست ایچانب رسید، در صفحه ۵ مطالبی علیه ایچانب دکتر محمد ابراهیم شادمانی تحت عنوان مبارزه دهقانان طاحون آباد (همدان) بچاپ رسیده و منتشر شده است، با توجه باینکه مطالب کذب محض بوده و بدینوسیله اهانت و تهمت‌های ناروایی بمن وارد گردیده، لذا خواهشمند است جواب ایچانب را نیز مطابق ماده ۹ لایحه قانونی مطبوعات چاپ و منتشر و یکپیرگ آنرا نیز برایم ارسال فرمائید. رغوس مطالب و اتهامات وارده باینچانب عبارتند از:

- ۱- عوامل رژیم سابق.
- ۲- مالک ده دکتر شادمانی که مالک چند ده دیگر هم هست.
- ۳- ارتباط با ساواک.
- ۴- نامه رئیس ثبت بدادگاه که علیه دکتر شادمانی بوده.
- ۵- دزدیهای سابق و پرونده‌های ساختگی در رژیم سابق.
- ۶- چماق‌داران دکتر شادمانی با اسلحه و قداره حمله نموده‌اند.
- ۷- ۷۰۰ هکتار زمین مورد بحث با تشخیص آقای عالمی مال طاحون آباد است.
- ۸- خرید ۱۵ قبضه اسلحه و تقسیم آن بین اهالی قریه حیران.

که نسبت به مورد برای هشت فقره مزبور بشرح ذیل پاسخ خود را برای چاپ و انتشار آن بنا بمراتب اعلام میدارد:

- ۱- در خصوص اینکه از عوامل رژیم سابق بوده‌ام، کافیسیت یک مورد دلیل و

دام میگوید که قبل از سال ۱۳۳۰ ترکمن صحرا سالی ۲۰۰ هزار گوسفند صادر میکرد. حالا به ۱۰ هزار هم نمیرسد. در عوض شاهپورها، هزاربیزدانی و امثال اینها صاحب دام زیادی شدند.

بنظر او مساله مرکزی ترکمن صحرا مساله زمین است. مردم ترکمن صحرا از شوراهاى خود توقع دارند که این مساله و مسائل دیگر را حل کند. زیاد آمیدی به دولت ندارند. حتی میترسند و وضع شان بدتر از گذشته بشود. البته با آنکه نظرها نسبت به دولت خوب نیست ولی معتقد است که اگر دولت مساله زمین را بنفع دهقانان حل کند نظرشان مدرکی برای نمونه ارائه شود.

- ۲- راجع باینکه مالک ده من هستم و مالک چندده دیگر نیز میباشم، لطفاً اسامی این دهات ذکر و سند مالکیت آنها را هم مشخص نمائید که اگر چنین موضوعی واقعیت داشت!! حاضرم برایگان حتی با تقبل کلیه هزینه‌های انتقال تحت هر عنوان و بهر شخص یا اشخاصی که مدعی تعیین نمایند منتقل و در اختیار بگذارم.
- ۳- درباره موضوع ارتباط با ساواک، کافیسیت یکپیرگ مدرک کتبی و یا دلیل دیگری ارائه دهند.
- ۴- در مورد نامه رئیس ثبت بدادگاه که عنوان و ادعا شده علیه ایچانب بوده، لطفاً این نامه در روزنامه منتشر شود تا واهی و کذب بودن این ادعا مدلل گردد.
- ۵- در مورد دزدیهای سابق و پرونده‌های ساختگی اعلام شده، اگر درست است از هر کدام فقط یک نمونه مستند ارائه شود.
- ۶- در موضوع چماق‌داران، اگر سنی مورد اول بشرح فوق مدلل و محق بود این موضوع نیز مشخص خواهد شد.
- ۷- موضوع ۷۰۰ هکتار زمین و محکومیت کشاورزان طاحون آباد در دادگاههای دادگستری و احیاناً در مرجع دیگری که به آن اشارت رفته است، لطفاً اگر این ادعا صحت دارد، رأی یا نظری که مربوط بموضوع و ارتباط بشخص ایچانب داشته است در آن روزنامه منتشر یا ارائه نمائید تا مستند شود.
- ۸- خرید اسلحه و تقسیم آنها بین اهالی قریه حیران راهم هر چند دروغ محض میباشد اگر مدعی راست میگوید بهر طریق و ترتیبی که خود میدانند ثابت و آسانچه منظوری این عمل را ممکن است من انجام داده باشم مشخص نمایند.

دکتر محمد ابراهیم شادمانی
۱۳۵۸/۵/۲۰

بخاطر زمین زرد و خورد شده و آمدتها سالی آنها را اذیت میکرد. حتی تعدادی از اهالی که زمین خوبی هم داشتند مجبور شدند فرار کنند. الان در این ده از ۱۰۰ خانوار جمعیت ۶۰ خانوار بی زمین هستند. زمیندارهای اطراف هم فارس هستند.

خواست اهالی تقسیم زمین است. اعضای شورا میگویند که حاضر به هرگونه همکاری با دولت هستند. امسال حتی سهم ۲۰ درصد از محصول گندم را نگرفتند چون دیرباز خبر شدند که دولت موافق سهم ۲۰ درصد آنها است. شورای ده برای حل مسائل خود به مسئولین دولتی و از جمله فرمانداری گرگان مراجعه میکنند. برای آب و کانال کشی تا حالا بارها به فرمانداری گرگان مراجعه کرده‌اند ولی نتیجه‌ای نگرفتند. اعضای شورا تعریف میکردند که عده‌ای آمدند به این ده و گفتند که "گانون پیشگام" درست کنید و خودتان دست بکار شوید و زمین و تراکتور و تمام محصول را بگیرید. ولی آنها جواب دادند که اینکار در حال حاضر درست نیست. نمیخواهند کاری بکنند که به اقتصاد مملکت لطمه بخورد. گفتند که همین محصول گندم را بهر حال دولت میبرد و مردم همین مملکت تغذیه میکنند. میگویند که خواستشان اینست دولت دست بکار شود و به حق آنها در مورد زمین توجه کند. بهر حال مصمم هستند که زمینهای خود را بگیرند.

با تعداد دیگری از اهالی ده در مسجد ده صحبت میکنیم. خواست تقسیم زمین در درجه اول است. مسائل عمرانی بترتیب اهمیت برای آنها عبارتست از آب، درمانگاه، حمام و جاده. بعلت در دسترس نبودن دکترو دارو اغلب به مواد مخدر پناه میبرند. در زمستان آب جاده‌ها را میگیرند. یکی از اهالی یک روستای مجاور میگفت که اصلاً در زمستان ارتباطشان قطع میشود.

در مورد انقلاب و دولت میگویند که اگر آزادی برقرار شود خوبست. رویهمرفته به آینده خوشبین هستند و امید دارند که اوضاع خوب بشود و دولت و امام خمینی به خواستهای مردم توجه کنند. میدانند که آقای آخوند ارزانش روحانی ترکمن با امام خمینی ملاقات کرده و قول مساعد گرفته است. روحیه همکاری با دولت و انقلاب در آنها بسیار بالا بود و امیدواریشان به حل مسائل بطریق صحیح زیاد است.

انحصار طلبی چپ نماها در مقابل برخورد صحیح توده‌ها

از آنجا که اغلب دهات ترکمن صحرا شورا دارند و شوراها نیز زیر نظر ستاد مرکزی

میرسد. صحبت در خواست اهالی ده تحسین زمین است. احتیاجات برنامه های عمرانی ده مانند آب و حمام و غیره را میگفت. او تعریف میکرد که در موقع انتخاب شورا اهالی ده میخواستند او را انتخاب کنند خودش قبول نکرد چون میبایست به گنبد که ستاد مرکزی آنجاست رفت و آمد کند و گفت که بهتر است برای اینکار جوانها را انتخاب کنید. پنج نفر برای شورای ده انتخاب شدند. از آنها یکی درس خوانده است.

کدخدا داشت از خواست مردم ترکمن صحبت میکرد که علاوه بر مساله تقسیم زمین خواهان اداره امور محلی بدست افراد ترکمن هستند و در این موقع یک جوان عضو شورا و یکنفر دیگر که از ستاد گنبد آمده بود آنجا با چند نفر دیگر وارد شدند. جوانی که عضو شورا بود بعد گفتند که در دانشسرای گنبد درس خوانده است با عصبانیت گفت که شما کی هستید. چرا آمدید اینجا، باید بروید از ستاد اجازه بگیرید. هر سوالی دارید از آنها بکنید. نشریه "کار" و "سرخه روجا" (نشریه طرفداران چریکهای فدائی در مازندران) را بخوانید. توی آن همه چی نوشته شده است. سعی کردیم با حوصله مقداری برایش توضیح بدهیم، گفت من تعجب میکنم که کدخدا دارد از شما پذیرائی میکند. ترکمن ها با فارسها بد هستند و (قبلاً کدخدا در صحبتهایش با ما گفته بود که ایکاش همیشه آدمهایی که میآیند اینجا مثل شما باشند ما خوشحال میشویم).

و آن جوان مقداری بر علیه دولت و انقلاب حرف زد. بما گفت تروتسکیست هستید! و مقداری از این حرفها ما به نسبت اوضاع مقداری برایش صحبت کردیم که باید بهتر از اینها فکر بکند و اصولاً درک او و سیاستهای چپ نمائی آنها صحیح نیست و نمیتواند دوست خلق ترکمن را از دشمن متمایز کند و غیره اگر چه آن جوان آرام تر شده بود اما بهر حال زیاد مساعد برای پدرش حرفهای ما نبود و ما هم زیاد ادامه ندادیم و بعد از دادن چند شماره رنجبر به آنها خدا حافظی کردیم.

وضع بحرانی منطقه وهشدار به دولت

بعد از انقلاب تا کنون خلق ترکمن قدم‌های مثبتی در جهت متشکل شدن و حل مسائل خود برداشته است. اما امروز هنوز هیچ مساله‌ای در این منطقه حل نشده است. مساله زمین در مرکز این مسائل است. حل این مسائل فقط بستگی به خلق ترکمن ندارد. بقیه در صفحه ۴

سالگرد تجاوز آمریکا به چکسلواکی

دیگر . هم اکنون در تمام کشورهای که بطور مستقیم یا غیر مستقیم مورد تجاوز و یا تهدید ابر قدرت شوروی قرار دارند . موجی از مقاومت و مبارزه به پا خاسته است ، کینه و نفرت میهن پرستان چکسلواکی که پس از گذشت یازده سال هنوز شاهد حضور بیش از نیم میلیون سرباز روسی در کشور خود می باشند هر روز عمیق تر می شود . خلقهای قهرمان اریتره ، کامبوج ، افغانستان در حال مبارزه مرگ و زندگی با سوسیال امپریالیسم روس و نوکرانش هستند .

به حق می توان گفت که امروز جز سر سردگانی چون دار و دسته کیانوری که آگاهانه به تبلیغ شیئی انقلاب ملی مشغولند ، تمام نیروهای واقعا انقلابی و میهن پرست بر علیه تجاوزات و خطری که سوسیال امپریالیسم شوروی برای استقلال کشورها بوجود آمده ، موضع گرفته و مبارزه می کنند . خلق قهرمان چکسلواکی نیز در آتشی نه چندان دور ، ارتش متجاوز روس را همچون ارتش هیتلری از کشورش بیرون رانده و کشوری مستقل و متکی به خود ایجاد خواهد کرد .

و رژیمهای وابسته به آن بوده ایم . به عنوان مثال می توان نمونه زیر را نام برد :
- جنگ افروزی در خاک پاکستان و ترغیب هندوستان برای حمله به پاکستان در سال ۱۹۷۰ ، و تجزیه این کشور . (جدا کردن پاکستان شرقی و غربی و ایجاد کشور بنگلادش) .

- سرکوب بی سرمانه جنبش کارگری لهستان در سال ۱۹۷۱
- دام زدن به جنگ داخلی در آنگولا توسط دار و دسته "نتو" و دخالت مستقیم از طریق ۱۵ هزار مزدور کوبائی و هزار مستشار روسی .

- کودتا در یمن جنوبی و حاکم گردانیدن دار و دسته به خود در این کشور
- کودتا در افغانستان و حاکم کردن دار و دسته فاشیستی تره کی در سال گذشته .

- ترغیب و حمایت تجاوزگران ویتنامی برای لشکر کشی به خاک کامبوج سر نگونی دولت ملی و اشغال نظامی این کشور .

- پشتیبانی و شرکت مستقیم در تجاوز به سرزمین اریتره و قتل و عام وحشیانه این خلق قهرمان و دهها کودتا و صدها تجاوز

یازده سال قبل ، در اول شهریور ۱۳۴۷ ، (۱۹۶۸) خاک چکسلواکی در زیر چکمه سربازان سوسیال امپریالیسم شوروی و دیگر کشورهای عضو پیمان ورسو به اشغال درآمد . خون بسیاری از میهن پرستان چکسلواکی سنگرش خیابانها را گلگون کرد و بدین طریق پس از سی سال ، تزارهای نوین کرملین بر جای پای هیتلر گام نهادند . بی خود نیست که مردم چکسلواکی پر روئی نانکهای روسی که در نقاط حساس پراگ مستقر شده بودند علامت صلیب شکسته هیتلری را نقاشی کردند و با تنفر به سوی این ارتش تجاوز کار تسف انداختند . اگر هیتلر تحت نام " حمایت از استقلال ملی " ۳۰ سال قبل خاک چکسلواکی را اشغال نمود . دار و دسته پرزف زبیر شعارهای " حق حاکمیت محدود " ، " دیکتاتوری بین المللی پرولتاریا " و " دفاع از دستاوردهای سوسیالیسم تجاوز امپریالیستی خود را توجیه نمود .

این تجاوز ، سر آغاز تهاجم بزرگ ابر قدرت شوروی برای سلطه بر جهان بشمار می رود . از آن زمان تا کنون در صحنه جهان ما شاهد توطئه ها ، تجاوزات و اشغال سرزمینهای دیگر توسط تزارهای کرملین بسن

رویدادهای جهان



رژیم تره کی مارکسیست نیست

واقعی است . و اما در مورد سؤال دوم . واقعیت این است که نه تنها مبارزین مسلمان ، بلکه کمونیستهای واقعی نیز بر علیه رژیم دست نشانده تره کی می جنگند . کمونیستهای واقعی (نه مزدوری مثل تره کی) سالهاست که بر علیه دار و دسته وابسته تره کی و حزب خلق ، حتی در زمانی که در قدرت نبودند هم ، مبارزه می کردند . امروز تمام خلق و نیرو های مبارز آن خواه مسلمان و خواه کمونیست واقعی و خواه نیروهای ملی گرا ، در یک صف واحد برای بیرون راندن ابر قدرتهای جهانخوار و به ویژه ابر قدرت شوروی ، نوکران سر سیده آنها ، چه دار و دسته تره کی که بر ابریکه قدرت است و چه نوکرانی که در قدرت نیستند و سعی دارند از مبارزات خلقهای افغانستان برای بقدرت رسیدن خود بهره گیرند ، مبارزه می کنند . آنها خواهان استقلال واقعی کشور خود می باشند . توده های ستم دیده افغانی و سازمانهای مختلف انقلابی آن (از مسلمان تا مارکسیست واقعی) به پا خاسته اند تا دست غارتگران را از کشورشان کوتاه سازند و دولتی ملی و انقلابی در کشورشان ایجاد کنند .

اما چرا خبرگزاری ها و برخی از جراید رژیم ضد خلقی و وابسته به روس نور محمد تره کی را مارکسیستی یا کمونیستی می خوانند ؟ به اعتقاد ما جز تعداد بسیار نادری که به علت عدم شناختشان از مارکسیسم واقعی دچار این اشتباه می شوند ، بقیه آگاهانه می کوشند تا با مارکسیستی خواندن رژیم فاشیستی تره کی ، خلقهای تحت ستم جهان را نسبت به مارکسیسم واقعی بد بین نموده و آنرا لجن مال نمایند . آنها نیز از این کوشش خود سودی نخواهند برد ، چرا که مارکسیستهای واقعی و مستقل و میهن پرست همه جا در میان خلق و در پیشاپیش آن برای استقلال ملی کشور خود مبارزه می کنند و با جانفشانی خود در این راه توده های وسیع را نسبت به ماهیت مارکسیسم واقعی آگاه می سازند .

بنابراین نه رژیم تره کی مارکسیست است و نه جنبش خلقهای افغانستان علیه مارکسیسم . رژیم تره کی رژیم است ضد

خبر گزاریهای خارجی و به دنبال آنها روزنامه های مختلف کشور که از این منابع تغذیه می کنند . اکثر " در گزارشات مربوط به مبارزات خلق افغانستان ، از دولت مارکسیستی یا کمونیستی نور محمد تره کی سخن می گویند .

آیا این واقعیت دارد که رژیم جنایتکار تره کی یک دولت مارکسیستی یا کمونیستی و آیا در افغانستان مردم به خاطر اینکه رژیم مارکسیستی است بر علیه آن می جنگند ؟

نه ، چنین چیزی واقعیت ندارد و رژیم دست نشانده تره کی مارکسیستی یا کمونیستی نیست زیرا :

اولا " رژیم جنایتکار تره کی به خاطر وابستگی به خارج نمی تواند دولتی مارکسیستی باشد . زیرا وابستگی به یک قدرت خارجی با وظیفه یک دولت مارکسیستی که باید برای تأمین استقلال کامل و واقعی کشورش از نفوذ امپریالیستها و به طور کلی بیگانگان مبارزه نماید ، مغایرت دارد . مارکسیستهای واقعی مستقل اند و میهن پرست و در پیشاپیش خلق برای استقلال ملی کشور خود از هر قدرت سلطه جوی بیگانه مبارزه می کنند .

در حالی که ما امروز در افغانستان مشاهده می کنیم که رژیم تره کی دست نشانده ابر قدرت شوروی بوده و نه تنها از استقلال کشور دفاع نمی کند بلکه عامل چپاول گری و ستم امپریالیسم روسیه بر خلقهای افغانستان بوده و به سرکوب مبارزه ملی خلق های افغانستان علیه امپریالیسم روسیه می پردازد .

ثانیا " رژیم تره کی مارکسیست نیست زیرا مارکسیست های واقعی دوست و متحد و همکار امپریالیسم روسیه نیستند ، بلکه برعکس دشمن سرسخت این امپریالیست تازه به دوران رسیده می باشند . همانطور که امپریالیستهای شوروی برای پوشاندن چهره کریمه استعماری خود از نقاب " سوسیالیسم " و " مارکسیسم " استفاده می کنند ، نوکران و مزدوران آنها در دیگر کشورها نیز برای فریفتن خلق و بسط نفوذ اربابان روسی شان ، نقاب " مارکسیستی " بر چهره می زنند ، بنابراین یک معیار و محک دیگر برای شناختن رژیم که ادعای مارکسیست بودن کند ،

رژیم افغانستان: مدافع ضد انقلاب و مطبوعات مزدور در ایران

حمله برده و آنرا توفیق کردند . آژانس رویتر می نویسد که آیندگان یک روزنامه لیبرال بود و نشرات (نوشته های) آن در زمینه اعدام های ظالمانه و بی دربی در ایران به ذوق خمینی مطابق نبود . و در اینجا بروشنی دار و دسته تره کی در موضع امپریالیسم و صهیونیسم قرار گرفته و برای بسته شدن یک نشریه خدمتگزار دو ابر قدرت دل می سوزاند .

دار و دسته وابسته به روس تره کی می توانند تا آنجا که بخواهند به خود برجسب های عوام فریبانه ی " مترقی " و " انقلابی " بزنند . اما هیچ چیز بهتر از مبارزه متحد و وسیع خلقهای افغانستان علیه او ، و هیچ چیز بهتر از مواضع ارتجاعی او نسبت به انقلاب ایران ورهبری آن نمی تواند ماهیت واقعی این رژیم را بهتر ببرد افغانستان ، ایران و جهان بنمایاند .

آنها به انس کشیدند . قیام عمومی عساکر ایرانی و حمله آنها به قرارگاه نظامی ارومیه ، موجب از بین رفتن صد هانقر از طرفداران خمینی گردید

این خبر بروشنی دفاع دار و دسته فاشیستی تره کی را از جنایتکاران رژیم سابق نشان میدهد . آیا ظالمانه است که جلادانی چون سرهنگ ابراهیم هوشنگی که برای حفظ بقای رژیم فاشیستی شاه خون دهها مبارز را بر زمین ریخته اند ، اعدام گردند ؟

سرهنگ هوشنگی کسی بود که در یکی از روزهای قبل از انقلاب ، در غیاب فرمانده پادگان لشکر ارومیه ، به اقرار خودش در دادگاه ، شخصا فرمان خروج تانکها را از پادگان صادر کرده و باعث قتل و کشتار چندین نفر گردید . بعلاوه مسجد اعظم ارومیه را که مرکز تجمع مبارزین بود به توپ بست که آثار جنایت او بر گنبد مسجد هنوز باقیست .

خبر دوم ، اشک ریختن رژیم وابسته به روس افغانستان برای روزنامه " آیندگان " است . روزنامه ای که در خدمت دو ابر قدرت آمریکا و شوروی قرار داشته و برخلاف سیر انقلاب ایران حرکت میکرده است .

" انیس " تحت عنوان " روزنامه

رژیم وابسته به روس سره کی ، مدافع سرسخت ضد انقلاب در ایرانست و از آن در مقابل انقلاب دفاع کرده و بیشترین برجسبها راه به امام خمینی می زند . این دار و دسته وابسته به سوسیال امپریالیسم روس در ورق پاره " انیس " (روزنامه رسمی دولت افغانستان) امام خمینی را به بیشترین وجهی مورد حمله قرار میدهند و تحت عنوان های " مناجح مطلع " و " یا طبق گزارشات موثق " آشکارا اخبار ایران را جعل می کنند .

ما در زیر دو نمونه از این حملات رژیم افغانستان به انقلاب ایران را که در " انیس " شماره ۱۱۷ منتشر شده نقل می کنیم تا افشاگر ماهیت این رژیم باشد . لازم بتذکر است که ما از نقل برجسبهای ارتجاعی این نشریه نسبت به انقلابمان خودداری کرده ایم .

روزنامه دولتی افغانستان تحت عنوان " شدت خشم خلق ایران علیه رهبران شان " می نویسد .

" ادامه وحشت و اعدامهای ظالمانه ایرانیها به امر رهبران ایران به سر کردگی خمینی اکنون بحدی رسیده است که با عکس العمل خشمگین خلق ایران مواجه شده است . طبق یک اطلاع کامل " منتشر در . . .

حال از دار و دسته کیانوری که پشتیبانان درجه اول این رژیم ضد خلقی وابسته به روس هستند و از طرفی ادعای " حمایت از انقلاب ایران و امام را دارند باید پرسید موضع شما در مقابل حملات ارتجاعی رژیم تره کی به

فریفتن خلق و بسط نفوذاریان روسی شان، نقاب "مارکسیستی" بر چهره می زنند، بنابراین یک معیار و محک دیگر برای شناختن رژیمی که ادعای مارکسیست بودن می کند این است که آیا او دوست شوروی است همکار او که در این صورت مارکسیست نیست، یا دشمن امپریالیسم روسیه و مدافع خلقهای میهن خودش که در این صورت مارکسیست

می سازند. بنابراین نه رژیم ترهکی مارکسیست است و نه جنبش خلقهای افغانستان علیه مارکسیسم. رژیم ترهکی رژیمی است ضد خلقی و وابسته به روس که نقاب مارکسیسم بر چهره خود کشیده و مردم افغانستان نیز بر علیه این رژیم ضد ملی برای کسب استقلال ملی خود مبارزه می کنند.

ایرانیها به امر رهبران... ایران به سر کردگی خمینی اکنون بحدی رسیده است که با عکس العمل خشمگین خلق ایران مواجه شده است. طبق یک اطلاع کاملا موثق در این سلسله، پیرروز بیش از سیصد نفر از عساکر (نظامیان) ایرانی به عنوان اعتراض علیه اعدامهای خونخوارانه اخیر یک قرارگاه مهم عسکری (نظامی) راد شمال ایران اشغال و

آمریکا و شوروی قرار داشته و بر خلاف سیر انقلاب ایران حرکت می کرده است. "انیس" تحت عنوان "روزنامه آیندگان توقیف گردید" می نویسد: سلسله اختناق ظالمانه که رژیم... خمینی در ایران پیش می برد پیرروز چند نفر از طرفداران... خمینی به دفتر روزنامه آیندگان که مخالف استبداد در آن کشور بود

هستند و از طرفی ادعای "حمایت" از انقلاب ایران و امام را دارند باید پرسید موضع شما در مقابل حملات ارتجاعی رژیم تره کی به انقلاب ما و رهبری آن چیست؟ مردم ما می پرسند قسم شما به حمایت از انقلاب اسلامی ایران و رهبری آنرا قبول کنیم یا دم خروس، حمایت شما از رژیم مرتجع تره کی را ببینیم؟

خط مشی...

با امپریالیسم مبارزه کنند یا آنرا به افشای این یا آن مهره امپریالیسم امریکا خلاصه کردند و امپریالیسم شوروی را پوشاندند، - یا با اتهام زدن به بعضی از عناصر ملی و ایجاد گيجی در مبارزه ضد امپریالیستی، نهایتا "به دام زدن به هرج و مرج در صفوف نیروهای ضد امپریالیست پرداختند".

چپ نماها با تحلیل قلابی شان از دولت تحت عنوان بورژوازی لیبرال و گاهی "وابسته"، به اصطلاح "رسالت ضد امپریالیستی" شان را در مبارزه با دولت ملی می بینند. چپ نماها در تمام این تحلیلها و سیاستهایشان به حقوق و سیاستهای فرصت طلبانه رهبری حزب توده در دوره دکتر مصدق اند.

امروز امپریالیستها و در راس آنها دو غارتگر بزرگ بین المللی امریکا و شوروی بزرگترین دشمنان خلقهای جهان و خلقهای میهن ما هستند.

دمکراسی کاذب چپ نماها

درک چپ نماها از دمکراسی با درک توده های میلیونی از دمکراسی تفاوت بسیار دارد.

چپ نماها عملا "به دنبال مفهوم بورژوازی از دمکراسی افتاده اند و آنچه که تا کنون از دمکراسی خواهی خود نشان داده اند، از آزادی بیان و اجتماعات و مطبوعات بورژوازی برای بعضی از اقشار بالای روشنفکران تجاوز نکرده است.

دمکراسی خواهی چپ نماها در حالی که به جنبش توده های اسلامی بر حسب "استبداد" و "فاشیسم" می زنند، برای نشریاتی که سابق بسیار بدی در خدمت به امپریالیسم دارند و امروز با نقاب "چپ" به همان سیاست خدمت می کنند خواهان دمکراسی و آزادی است.

آیا این "آزادی خواهی" چپ نماها بهانه ای برای پیش بردن مشی غلط چپ روانه شان نیست؟ آیا آنها این قدر که برای بعضی از افراد و گروهها و نشریات "مخالف" دلسوزی کرده اند، حاضرند از حق دمکراتیک همه نیروهای سیاسی، همه نشریات از جمله نیروهای سیاسی مخالف و رقیب خود ویسا نیروی اسلامی در صورتی که این حق رعایت نشود، پشتیبانی کنند؟

تجربه همین چند ماه آزادیهای نسبی نشان داد که چپ نماها هر جا که خودشان را در اکثریت دیدند و یا هر جا که نفوذی داشتند سعی کردند بدترین شکل انحصار طلبی را تحمیل کنند.

امروز هنگامی که امپریالیستها و عمالشان با جنگ و دندان و بهر وسیله که هست تلاش می کنند تا دامنه هرج و مرج در کشور ما توسعه یابد، یک نیروی چپ اصیل و یک دمکرات واقعی باید حتما "ضد امپریالیست و استقلال خواه" باشد و مبارزه ضد امپریالیستی را در وحدت با توده های میلیونی و همه نیروهای ضد امپریالیست به پیش برد و دمکراسی را تنها به عنوان وسیله ای در خدمت رسیدن به این هدف بداند.

نامه سرگشاده

با اعتقاد به اینکه هنور شرایط برای کار اقلیتی و توضیحی باقی است و وظیفه ی کلیه ی نیروهای استقلال خواه و آزاده است که نظرات خود را به طور سازنده عرضه دارند بدین وسیله چند نکته ی اساسی برای اصلاح پیش نویس قانون اساسی طرح شده مطرح می کنیم، امید ما بر آنست که موثر واقع گردد.

۱- با عطف توجه به اینکه یکی از اصول اساسی مبارزات قهرمانانه ی مردم ایران در قرن اخیر ایستادگی در مقابل سلطه جوئی، استعمار و غارت امپریالیستها بوده و با وجود امپریالیسم این اصل یا بر جا باقی می ماند، باید به طور صریح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطرح گردد که ایران قاطعانه علیه امپریالیستهای سر کرده گرا، سلطه گرا، غارتگر و ابر قدرتهای استعمارگر (که در دوران کنونی دو ابر قدرت امپریالیستی، امریکا و شوروی هستند)، علیه صهیونیسم و نژاد پرستی مبارزه کرده، از مبارزه خلقهای جهان برای استقلال و آزادی دفاع می نماید و کشوری است غیر متعهد و خود نیز هیچگاه در پی سلطه جوئی و سر کرده گرائی نخواهد بود.

۲- در قانون اساسی باید صریحا ذکر شود که: هر فرد حق کار، انتخاب شغل، محل زندگی استراحت، بهداشت رایگان و تحصیل رایگان و بیمه ی بازنشستگی را دارد. دولت جمهوری اسلامی ایران مکلف است که امکانات لازم برای تحقق این حقوق به ویژه برای طبقات زحمتکش ایران را که در شرایط سخت به سر می برند و محروم از هرگونه رفاه اجتماعی هستند، فراهم کند.

۳- در مورد آزادیهای فردی و اجتماعی باید تصریح شود که تمام اتباع کشور از حق آزادی عقیده، بیان، قلم، مطبوعات، اجتماع، تشکیل احزاب، انجمن و سندیکاها، انجام تظاهرات و اعتصابات برخوردارند.

۴- در مورد حقوق ملیتها باید در قانون اساسی تصریح شود که ایران کشور واحد و یکپارچه و کثیر المله ایست که کلیه ی ملیتهای آن با هم برابرند، باید ستمد پیدگی

ملی زودوده شود. باید ملیتهای مختلف به یکدیگر احترام بگذارند، از نکات مثبت هم بیاموزند و مناسبات برادری میان خود بر قرار نمایند. تبعیض در هر شکل ممنوع است و هر حرف و عملی که به وحدت بزرگ ملیتهای ایران کوچکترین لطمه ای وارد سازد قدغن می باشد. کلیه ی ملیتها آزادند تا زبانی را که با آن سخن می گویند و مینویسند بکار برند و تکامل بخشند و از آداب و رسوم خود پیروی کنند و اداره ی امور داخلی مربوط به منطقه شان بدست آنها صورت گیرد.

حق خود مختاری در مناطق اقلیتهای ملی به رسمیت شناخته می شود و کلیه ی خود مختاری های ملی منطقه ای جزء لاینفک کشور ایران هستند.

۵- در قانون اساسی باید روشن باشد که در جمهوری اسلامی ایران زنان در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زندگی خانوادگی از حقوق مساوی با مردان برخوردارند، آنها برای کار مساوی باید حقوق مساوی دریافت کنند. ازدواج و طلاق باید با میل طرفین باشد و حمایت از خانواده و حق شغل آزاد برای زنان وجود داشته باشد.

۶- قانون اساسی باید مجلس شورای ملی را عالیترین ارکان جمهوری اسلامی ایران و بالاترین ارکان قانون گذاری کشور بداند. در جمهوری اسلامی باید امور کشور به عهده ی دولت منتخب مجلس شورا بوده و مسئولیت اجرایی کلیه ی سازمانهای کشوری و لشکری با این دولت است.

۷- در جمهوری اسلامی ایران نظارت بر اجراء مفاد قانون اساسی و انطباق کلیه ی مصوبات مجلس شورا و دولت، با قانون اساسی به عهده ی دیوان عالی کشور می باشد. این دیوان بالاترین مرجع رسی داد رسی می باشد.

۸- در قانون اساسی باید روشن باشد که هر گونه تغییری در قانون اساسی با تصویب نمایندگان مجلس شورای ملی و تأیید مردم در یک همه پرسی، رسمیت می یابد و قابل اجراء است.

ستاد انتخاباتی "اتحاد بزرگ ملی" ۱۳۵۸/۵/۲۸ رونوشت به: مطبوعات، خبرگزاریها، و سایر رسانه های گروهی

گرد هم آئی

صنف کارگران جوشکار و درب پنجره ساز از حقوق واقعی خود در مقابل صاحبان کارگاهها و کارفرمایان دفاع می کنند. برقرار باد وحدت کارگران مبارز و با ایمان ایران برای ایجاد سندیکاها و صد درصد کازگری در پرتو جمهوری اسلامی و ایران مستقل و متکی بخود.

آمدان مجید بردنوس ۱۳۵۷/۵/۱۳

باز هم ساواک و

بسیاری از ساواکی های توده ای یا توده ای های ساواکی از سرد مداران حملات کینه توزانه به سازمان انقلابی، از سردمداران ایجاد تفرقه و انشعابات گوناگون در جنبش دانشجویی خارج بودند.

لیست فوق این حقیقت بزرگ را بار دیگر برجسته می سازد که ساواک و دار و دسته کیانوری، یعنی عمال دو ابر قدرت، بزرگترین عوامل تفرقه در صفوف خلق اند. فاش شدن این حقیقت و این بار با اسم و رسم و سیاه روی سفید، می تواند درس بزرگی برای مجموعه ی جنبش ضد امپریالیستی خلقهای میهن ما و نیروهای سیاسی آن باشد

هفته نامه

ونچبر

ارگان مرکزی سازمان انقلابی
مدیر مسئول - علی حجت
سر دبیر - فرامرز وزیر
نشانی - تهران، خیابان مصدق
پا نشین تر از امیر اکرم، کوی
گودرز - شماره ۱۶
تلفن - ۶۶۰۵۱۹
نشانی پستی - تهران، صندوق
پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴
چاپ: سکه

گزارشی از سفر ترکمن صحرا

سوابق مسائل ترکمن صحرا

قبل از ذکر مشاهدات، خوب است که سوابق مسائل این منطقه، بویژه مساله زمین را مرور کنیم. با این مسائل از قبل آشنا هستیم. مشاهدات این سفر نیز همین مسائل را تأیید میکند.

روستاییان ترکمن که ۸۵ الی ۹۰ درصد جمعیت ترکمن را تشکیل میدهند، در گذشته و حتی همین اواخر قبل از اصطلاح اصلاحات ارضی، مشکل کمبود زمین نداشتند. هر خانوار در قطعه زمینی کافی کشت میکرد. زمین زیاد بود و مقدار زیادی مرتع برای دامها موجود بود. کشاورزان سالانه زمین زیر کشت خود را عوض میکردند.

زمینها بتدریج از دست اهالی گرفته شد. در "اصلاحات ارضی" به عدهای زمین دادند. مقدارش تقریباً ۴ هکتار برای هر خانوار بود. بنظر اهالی زمین کافی برای هر خانوار ۱۵ تا ۲۰ الی ۲۵ هکتار است. زمینهای مرغوب توسط زمینداران و بوروکراتهای بقیه در صفحه ۶

(آنچه در زیر میخوانید خلاصه‌ای از گزارش خبرنگار "رنجبر" است که هفته قبل سفری به ترکمن صحرا انجام داد)

در هفته گذشته بعنوان خبرنگار رنجبر سفری به ترکمن صحرا کردم. در این سفر از شهرهای گنبد کاوس و آق قلا (پهلویز) و چند روستای اطراف آنها دیدن کردم و پای صحبت اهالی روستاها، اعضای شورای ده، چند کارمند و کاسب و روشنفکر نشستیم. به ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا در گنبد و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در آق قلا هم برای کسب اطلاعات و راهنمایی مراجعه کردم. اگر چه این سفر با مشکلاتی که بعضی چپ‌نماها در محدوده نفوذشان ایجاد کرده‌اند، برای تهیه یک گزارش جامع تحقیقی کافی نبود ولی همان مشاهدات کوتاه و نمونه‌وار بخاطر برخورد خوب اهالی ترکمن، برای آشنائی با بسیاری از مسائل خلق ترکمن، شناخت بیشتر و از نزدیک با روحیات مبارزه جویانه و حق طلبانه و در عین حال واقع بینانه و مثبت این خلق بسیار آموزنده بود.

استقبال از راه پیمایان وحدت در سندهج

ریختند. البته تیرها هوایی بود. این شایعه در بین مردم بود که اخلاک‌گراها برای اینکه در دل مردم ترس بیندازند این کارها را میکنند.

در روز ۲۵ مرداد (روز بعد از رسیدن راه پیمایان) ساعت ۹ صبح عده‌ای در خیابان شاهپور تظاهرات راه انداختند و شعارهایی بر علیه دولت، امام خمینی و مفتی زاده و بنفع شاه میدادند. تظاهر کنندگان آمدند نزدیک مسجد جامع که راه پیمایان در آنجا بودند و شعار میدادند و میگفتند که ما بیکاریم و کار میخواهیم.

تا حالا ندیده بودیم کسی کار بخواهد و بیاید جلوی مسجد. معمولاً میروند به اداره کار یا جای دیگر. خلاصه معلوم شد که اینها تحریک شده بدست عده‌ای معلول الحال هستند. مردم میگفتند که اخلاک‌گراها آنها را تحریک کردند. خلاصه عده‌ای آنها را از جلوی مسجد دور کردند. مردم میگویند عوامل وابسته به روس و اخلاک‌گراها و بیشتر از همه حزب دمکرات در کردستان بر علیه دولت توطئه میکنند.

بعضی از مردم عادی که حرف میزدیم می‌گفتند که ما نمی‌خواهیم اینها ما را زیر نفوذ شوروی ببرند.

رنجبر

تظاهرات دانشجویان ایرانی در آلمان

شنبه گذشته (۲۰ مرداد) تظاهراتی از طرف کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (سین) در شهر هامبورگ آلمان با شرکت سازمانهای ضد امپریالیستی و مبارز آلمانی، کمیته فلسطین شهر هامبورگ و سازمان مترقی اسپانیائی و دانشجویان ایرانی عضو کنفدراسیون جهانی در اعتراض به دستگیری دانشجویان ایرانی از طرف دولت آلمان، برگزار گردید.

در این تظاهرات وکلای دانشجویان زندانی در اعتراض به این دستگیریها سخنرانی نموده و خواستهای زیر مطرح شدند:

- ۱ - آزادی ۸ دانشجوی مبارز ایرانی از زندان هامبورگ.
- ۲ - پایان دادن به پیگرد دانشجویان.
- ۳ - قطع تبلیغات علیه جمهوری اسلامی ایران و کنفدراسیون جهانی.

یورش وحشیانه و فاشیستی پلیس آلمان به دانشجویان مبارزه عضو کنفدراسیون و حملات کثیف آنان علیه انقلاب اسلامی و رهبری آن امام خمینی، در بین ایرانیان مقیم هامبورگ و آلمانیهای مترقی این شهر موج اعتراضی را علیه دولت آلمان برپا کرده است. از طرف دیگر، پشتیبانی از دانشجویان مبارز دستگیر شده در میان ایرانیان میهن پرست گسترش یافته است. تا آنجا که ۱۲ وکیل وکالت دانشجویان زندانی را به عهده گرفته و حدود ۲۴ هزار مارک (حدود ۱۰۸ هزار تومان) پول جهت مخارج دادگاه توسط ایرانیان میهن پرست جمع آوری شده است.

اخبار بعدی حاکی از آنند که پرونده ۵ تن از دانشجویان دستگیر شده از شهر برمن که به دادگاه عالی آلمان فرستاده شده بود، به علت عدم دلایل کافی رد شده و دانشجویان آزاد گردیدند.

اخیراً دولت ایران نیز اقداماتی را در حمایت از دانشجویان زندانی ایرانی در آلمان به عمل آورده است. ما ضمن تأیید این اقدامات خواستاریم که سفارت جمهوری اسلامی ایران در آلمان تمام کوشش خود را برای آزادی این دانشجویان زندانی مصروف داشته و در این مورد برخورد جدیتری به دولت آلمان بنماید.

شوروی : کشوری امپریالیستی (۱۹)

کا.گ.ب. : نسخه روسی « پیمیا » (۳)

کا.گ.ب. سازمان جاسوسی امپریالیسم شوروی نه تنها در داخل کشور شوروی نفسی مساه کسایوی هیتلری و ساواک محمد رضا شاهی را دارد بلکه در خارج کشور رونوست مطابق اصل سی. آی. ۱. سازمان جاسوسی امپریالیسم آمریکا است. عطیات جاسوسی کا.گ.ب. در کشورهای خارجی به طور خیلی کلی شامل قسمتهای زیر است:

۱ - کسب اطلاعات سیاسی: کا.گ.ب. می‌کوشد تا اطلاعات جامعی از کلیه خصمیت‌های گرفته شده توسط کشورهای مورد نظر خود بدست آورد و کلیه قرار دادهای بیسپاسانی را که بین کشورهای مختلف بسته می‌شود مورد واری و تفسیر قرار دهد. اطلاعات جمع آوری شده همراه با تفسیرها و پیشنهادات کا.گ.ب. به کرملین ارسال می‌گردد. مهمترین منابع کسب خبر کا.گ.ب. عبارتند از: سفارتخانهها، دیپلماتها، مستی‌های امور رمزی وزارت امور خارجه کشورها، دبیران کل، بوروکراتهای عالی مقام دولتی، دبیران ویژه وزرا و سیاستمداران عالی منصب. کا.گ.ب. در خصوص کارمندان عالی رتبه خارجی اطلاعات وسیعی را جمع آوری می‌کند، برای این کار از دوران تحصیلی آنان شروع کرده و در مورد خصوصیات، نقاط ضعف، زندگی خصوصی و دوستان و اینکه با چه چیزهایی دلبستگی دارد تحقیق می‌کند. با تحلیل تمامی این مطالب به قربانی مورد نظرش نزدیک شده و از او معلومات لازم را بیرون می‌کشد. در صورت لزوم از میان شخصیت‌های مهم خارجی که در بالا بر شمردیم جاسوس انتخاب کرده و یا بین آنان جاسوسی می‌نماید.

اطلاعات جمع آوری شده به صورت گزارشها به کرملین ارسال می‌شود.

۲ - کسب اطلاعات نظامی: کا.گ.ب. در مورد اوضاع نظامی همه کشورهای خارجی اطلاعات جمع آوری می‌کند. فعالیت جاسوسی و اطلاعات نظامی را در اصل سازمان اطلاعات نظامی روسی (GRU) رهبری می‌کند و جهت می‌دهد. ولی کا.گ.ب. هم در این زمینه فعالیت می‌کند. در مورد اوضاع نظامی کشور خارجی، کم و کیف نیروهای زمینی، هوایی و دریائی آن کشور، تکنولوژی، قابلیت حرکت، قدرت آتشی و درجات پیشرفت تکنیکی و مدرنیزه بودن آن و طرح‌های بسیج عمومی برای جنگ اطلاعات لازم را جمع آوری می‌کند. تلاش می‌کند تا ظرفیت صنایع جنگی خارجی را بداند. بدین منظور ژنرال‌هایی را از ارتشهای خارجی و افسرانی را در درجات مختلف به طرف خود می‌کشد. نمونه زنده برای این فعالیت خرابکارانه سازمان جاسوسی شوروی ژنرال

سولیس جین ماری (Jeanmarie) می‌باشد که به خاطر دادن اطلاعات به کا.گ.ب. در سوئیس به ۸ سال زندان محکوم شد. جاسوسان شوروی رویدادهای احتمالی و ساختمان سلاح‌های جدید را در زمینه تسلیحاتی مورد بررسی قرار می‌دهند. کا.گ.ب. در مورد رویدادهای تسلیحاتی و ساختمان سلاحهای جدید معلومات لازم را جمع آوری کرده و حتی سعی می‌کند اکتشافات جدیدی را که هنوز مرحله طرح و پیش-نویسی خود را می‌گذراند در زبده و آن را در اختیار " دانشمندان " و کارشناسان امور تسلیحاتی روسی قرار دهند که صنایع جنگی روسیه را جهت می‌دهند. بدین طریق این امر کمک می‌کند تا روسیه در امر تسلیحاتی جلو زده و سلاحهای جدید را قبل از همه تولید کند.

۳ - جاسوسی در زمینه امور اقتصادی: کا.گ.ب. جوانب ضعیف و قوی اقتصاد کشورهای خارجی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این امر به خاطر تحقق سیاست سلطه جویانه و توسعه طلبانه شوروی در زمینه اقتصادی ضرورت دارد. مسکو با ارزیابی این اطلاعات، کشورها را در تنگناهای مختلف اقتصادی قرار داده و سود کلانی به جیب می‌زند. سیاستی را در پیش می‌گیرد که هدفش تبدیل

باز هم ساواک و دار و دسته کیانوری

چندی پیش لیست نام تعدادی از ساواکی‌های خارج از کشور در اروپا منتشر شد. از نکات "برجسته"ی این لیست، وجود تعداد قابل ملاحظه‌ای از اعضا و هواداران حزب توده در اروپا در آن بود که رخنه ساواک در حزب توده و حزب توده در ساواک و وجود عناصر دو سره و خلاصه تداخل و تجانس میان این دو سازمان خدمتگزار بیگانه را بار دیگر به خوبی نشان می‌داد.

دار و دسته کیانوری و تداخل و تجانس متقابل این دو سازمان خدمتگزار بیگانه است. سازمان ما در سالها قبل متذکر شد که ساواک و دار و دسته کیانوری در خارج از کشور، دست در دست هم علیه جنبش دانشجویی ایران در خارج توطئه میکنند. لیست فوق روشنگر این واقعیت برای آن عده

محدودی است که این را باور نداشتند. ساواک و حزب توده، به عنوان ابزار دو ابر قدرت آمریکا و روسیه، کینه شدیدی از جنبش مستقل و ضد امپریالیستی دانشجویان خارج داشتند و بدین خاطر یک لحظه از توطئه علیه این جنبش فارغ نبودند.

بقیه در صفحه ۲



راه پیمان یان وحدت به سنجندج میرسند

نامه یک خواننده به چریکهای فدائی

دوستان رنجبر

این سازمان یکی دو تا نیست که باز هم متأسفانه به انحراف بزرگتری در غلطید. چه انحرافی بزرگتر از این که یک کشور امپریالیستی را، سوسیالیست ارزیابی کردن و دشمن خلقهای جهان را دوست قلمداد کردن.

باید از اینان پرسید کدام کشور سوسیالیستی به خود اجازه میدهد که در کشورهای عقب مانده ویا در حال رشد کودتای بقیه در صفحه ۴

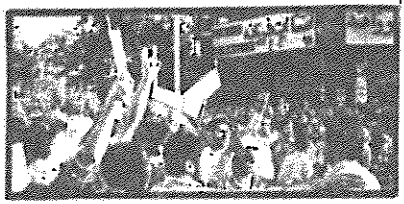
سلام، امیدوارم که برای رسیدن به هدف عالی که در نظر دارید موفق و پیروز باشید. به پیش بردن امر وحدت که یکی از هدفهای سازمان انقلابی در اوضاع متلاطم و ناآرام کنونی کشور است (کاری که) بعلت دامن زدن به اختلافات خلقی از طرف برخی عناصر معلوم الحال و اپورتونیستهای "چپ" امر مشکلی است، ولی از آنجائیکه سرانجام خط مشی صحیح غالب میشود و پشتکار و روحیه عالی رفقای این سازمان همیشه باعث موفقیت بوده این بار نیز معتقدم که با تمام مشکلات، پیروز خواهید شد.

عاملی که باعث شد تا اقدام به نوشتن این نامه کنم، مسئله‌ای است که مدت‌ها در فکرم بود و دلم می‌خواست که همه بشنوند و بدانند. این بود که تصمیم گرفتم برای رنجبر نامه بنویسم.

مسئله از این قرار است که اخیراً یکی از سازمانهای سیاسی ایران موضع گیری خود را در قبال سوسیال - امپریالیزم شوروی صریحاً اعلام کرد و آنچه را که مدتی برای مردم و حتی برای هواداران و اعضای آن سازمان در مورد موضع سازمانشان در قبال شوروی مجهول بود به صراحت بیان داشت. بله، سازمان چریکهای فدائی خلق بالاخره بعد از مدت‌ها اعلام کرد که شوروی امپریالیستی را بعنوان یک کشور سوسیالیست و دوست خلقهای جهان میشناسد.

بقول معروف به اصطلاح گل بود به گلاب هم آراسته شد! انحراف تئوریک در

حادثه یکشنبه تهران و چپ نماها



نشانهای سازمان فدائی

۲۵ مرداد ۱۳۵۸

اطلاعی

در جزوه ای بنام لیست شماره ۱، اسامی و مشخصات بخشی از خبرچینان مزدور ساواک در خارج از کشور از انتشارات کیهان افشا که چندی پیش در آلمان غربی منتشر شد نام چند تن از اعضای کنونی و سابق رهاواران حزب توده ایران نیز آمده است.

واحد حزب توده ایران در برلین غربی، موافق دستور مرکز حزب در ایران مجاز است نکات زیرین را اعلام کند :

رفیق فیروز شیخ زاده طی مدت کوتاهی با اطلاع و دستور حزب مأمور بوده است با تظاهر به تمایل به همکاری با ساواک، اطلاعاتی پیرامون نحوه نفوذ این دستگاه جاسوسی در سازمانهای ضد رژیم بدست آورد تا با استفاده از آنها سازمان مخفی حزب آسیب ناپذیرتر گردد.

رفیق نصراله منصور پس از مواجه شدن با شائبه‌های ساواکیها از حزب کسب تکلیف کرده و دستور حزب را مبنی بر عدم همکاری با وقت اجرا کرده است.

قباد ابر طالبی را از هنگام مسلم شدن خیانتش در چند سال پیش حزب زیر نظر داشته و به منظور پی بردن به نیات پلید ساواک او را بازی میداده است.

در باره یک نفر دیگر از کسانی که مأمور جاسوسی در حزب توده بوده است باید یاد آور شد که اطلاعات مربوط به امکان همکاری او با ساواک از چند سال پیش به حزب رسید و حزب با کوتاه کردن دستش از امور سازمانی احتیاطات لازم را بعمل آورد.

در مورد سایر کسانی که ارتباط با حزب نشان در لیست آمده مرکز حزب در ایران مشغول رسیدگی جدی است.

اشخاص نامبرده شده در لیست نظیر محمود محسنی، ناصر صاری، نعمت‌الله همدانی، دباغ، نصرت‌الله جهان‌شاهلو، حسین فرشید و محمد عاصمی از سالها پیش از حزب توده ایران طرد شده‌اند و هیچگونه ارتباطی با حزب ندارند.

کسانی هم هستند مانند حمید کران، شعیب خیریف کیانی که مأمور جاسوسی در حزب توده ایران بود مانند ولیسی حزب آنانرا نمی‌شناسد.

در این لیست به نام کسانی بر میخوریم که به هواداری از نظریات حزب توده ایران شهرت داشته‌اند و بدعت عدم وجود تماس سازمانی میان حزب و این اشخاص اظهار نظر درباره میزان گناهشان برای حزب ممکن نیست.

واحد حزب توده ایران در برلین غربی

اسرداد ۱۳۵۸